

شکل‌گیری و تکوین حوزه جبل عامل^۱

محمدکاظم رحمتی*

اشاره

شکل‌گیری، تحولات رخ داده در مراکز شیعی پیش از عصر صفویه و انتقال مرکزیت علمی شیعه از حله و عراق به جبل عامل یکی از مهمترین مسائل در تاریخ تشیع در سده‌های هشتم تا دهم هجری است که به دلیل نبود اطلاعات کامل با ابهامات فراوانی روبرو است. دلیل این مطلب در ثبت شرح حال فقیهان دوره مورد بحث در زمانی متأخرتر یعنی عصر شیخ حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) است که باعث شده است تا بسیاری از اطلاعات تاریخی از میان برود. در این دوره، تحولاتی که در فقه شیعه در مکتب حله رخ داده بود، نهادینه شد و صورت نهایی آن توسط شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) ارایه گردید. نوشتار حاضر بررسی است بر پایه فهرس خطی و نشان دادن این مطلب که چگونه از این دست منابع می‌توان برای پژوهشی تاریخی بهره گرفت. همچنین دسته‌ای دیگر از منابع مورد استفاده در این نوشتار، منابعی است که با عنوان اجازه شناخته می‌شود. این گونه اسناد، به دلیل سرشت و ماهیتی که دارند، اطلاعات خوبی درباره تحولات دوره مورد بحث در بردارند. اطلاعات بسیار مهم و جالبی نیز از شیوه‌های آموزشی در مراکز علمی جبل عامل در ضمن اجازه بلند شهید ثانی به حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (متوفی ۹۸۴) و در کتاب *منبیه المرید* آمده است که درباره مراحل زندگی طلبگی و متونی که در هر مرحله باید خوانده شود، نکات سودمندی آمده که باید در جایی دیگر به تفصیل از آن بحث شود. تمرکز اصلی نوشتار حاضر مراکز علمی در جبل عامل و معرفی شخصیت‌های برجسته آن است.

* عضو هیئت علمی دانشنامه اسلام، دانشجوی دوره دکتری.

پس از شهادت شهید اول، علی‌رغم آنکه حوزه نوپایی جبل عامل چهره‌ای برجسته را از دست داده بود، اما میراث فقهی مکتب حله که با نگاشته‌های شهید اول قدم به مرحله‌ای جدید از حیث تبویب و نگارش نهاده بود، به یمن شاگردان متعددی که شهید تربیت کرده بود، پابرجا ماند. چند ویژگی مهم در خصوص حوزه جبل عامل را می‌توان دید. نخست آنکه بر خلاف نظام و سنت آموزشی متداول در مراکز علمی دیگر آن دوران یعنی وجود ساختار منسجمی به نام نهاد مدرسه و درآمدهای مالی عموماً بر اساس موقوفات، آنچه که به عنوان سنت علمی در جبل عامل می‌توان مشاهده کرد، شکل‌گیری و تحول مراکز کوچک درسی به یمن وجود استاد و چند شاگرد است. از این رو شاهد تحول سریع مراکز علمی در این منطقه هستیم به گونه‌ای که از میانه قرن هشتم هجری تا میانه قرن دهم شاهد تغییر جغرافیایی در مناطق علمی شیعه در جبل عامل هستیم، به این معنی که شکل‌گیری یا افول یک مرکز علمی در اصل وابسته به وجود استادی متبحر و یا تربیت شاگردانی از همان محل است و در صورت عدم وجود چنین شرایطی شاهد شکل‌گیری مرکزیت علمی شیعه در جایی دیگر با وجود شرط مذکور است. همانگونه که مهاجر نیز اشاره کرده مراکز علمی شیعه در این دوره به معنی که اکنون شناخته شده است، نبوده‌اند یعنی آنکه مراکز علمی صورت ثابت مراکز علمی که آداب و شرایط معمول آموزشی را داشته باشند، مقرری‌های ثابت برای شاگردان تعیین شده باشد، نبوده‌اند. نکته‌ای مهم دیگر که اساساً پدیده‌ای شایع در میان گروه‌های اقلیت است، شکل‌گیری خاندان‌های علمی است که در جوامع اقلیت، ویژگی بارز است.

نکته دیگر که می‌توان دریافت، سیطره و اعتبار مکتب حله است. در حقیقت حوزه جبل عامل نقشی اصلیش انتقال میراث حله به دوران‌های بعدی است. بنابراین شگفت نیست که نخستین پیشگامان حوزه جبل عامل عالمانی هستند که در مکتب حله تحصیل کرده باشند. عالمان جبل عامل سوای انتقال میراث مکتب حله، با نگارش شروحی بر آثار مکتب حله، به تداوم و تکمیل میراث حله کمک کرده‌اند، نکته‌ای اطلاعات گردآمده به وضوح آن را نشان می‌دهد.

حیات علمی در جبل عامل پیش از شهید اول

حوزه جبل عامل را می‌باید تداوم حوزه حله دانست. از نام‌های دانسته این عالمان می‌توان به اسماعیل بن حسین عودی جزینی (متوفی ۵۸۰)، جمال‌الدین یوسف بن حاتم مشغری (متوفی حدود ۶۶۴) و طومان بن احمد مناری (متوفی ۷۲۸) اشاره کرد که از تربیت شدگان حوزه حله بوده‌اند.^۲ اقدامات افراد پیشگفته در هموار کردن راه برای شهید اول و تأسیس حوزه جبل عامل نقش اساسی داشته است. بر این افراد می‌باید نام فقیه حلبی دیگر که به اجبار به جزین مهاجرت کرده، یعنی ابوالقاسم بن حسین بن عود حلبی را

افزود که نزد وی جمعی از عالمان نه چندان مشهور عاملی تحصیل کرده‌اند.^۳ ابوالقاسم بن حسین بن عود مشهور به نجیب‌الدین اسدی، فقیه برجسته شیعه ساکن در شهر حلب بوده است. علت مهاجرت وی به جزین که ذهبی از آن به پناهگاه رافضیان (مأوی الرافضة) یاد کرده است، بدگویی او از صحابه در محضر نقیب علویان شهر، یعنی شریف ابوالفتح مرتضی بن احمد بن محمد بن جعفر بن زید بن جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق مؤتمن بن جعفر صادق بن محمد (متوفی ۶۵۳) که پس از درگذشت برادرش نقابت علویان شهر را برعهده داشته است.^۴ وی علی‌رغم آنکه شیعی مذهب بود، اما رفتار نجیب‌الدین، نقیب را وادار به واکنشی نمود. وی دستور داد تا نجیب‌الدین را وارانه بر خری سوار کرده و در شهر بگرداند و پس از آن دستور اخراج نجیب‌الدین را از شهر داد. نجیب‌الدین نیز مجبور به ترک حلب و مهاجرت به جزین شد. این حادثه که پس از سال ۵۶۰ رخ داده بود، بر شکوت نقیب علویان اما افزود و این عقیده که وی بد اعتقاد یا شیعی است که به نظر می‌رسید تقیه می‌کرده، در اذهان از میان رفت. درباره سالهای اقامت نجیب‌الدین در جزین و یا اعقاب او اطلاعی در دست نیست تنها می‌دانیم که پس از وفاتش جمال‌الدین ابراهیم عاملی که در ادامه از او سخن خواهیم گفت، قصیده‌ای در رثای او سروده است.^۵ نجیب‌الدین در نیمه شعبان ۶۷۹ در جزین در گذشت.

جمال‌الدین بخاری

از میان این عالمان نام جمال‌الدین ابراهیم بن ابی‌الغیث بخاری (متوفی حدود ۷۳۶) را دانسته است که نقشی در شکل‌گیری اولیه حوزه جبل عامل داشته اما ظاهراً سبطه و سخت‌گیری‌های شدید مالیک مانع از فعالیت‌های جدی و گسترده وی بوده است.^۶ دانسته‌های ما درباره او بسیار اندک است. مهمترین منبع و اطلاع ما درباره او، گفته‌های صلاح‌الدین خلیل بن آیبک صفدی (متوفی ۷۶۴) است که خود از نزدیک با بخاری دیدار داشته است. صفدی درباره بخاری که از اقامت وی در روستای مجدل سلیم از نواحی شیف از بلاد صَفا یاد کرده، گفته که بخاری دانش فقه شیعه را از ابن عود، ابن مقبل حمصی اخذ کرده است. همچنین صفدی اشاره کرده که بخاری و پدرش از عالمان و فقیهان شیعه بوده‌اند (کان إماماً من أئمة الشیعیة هو ووالده قبله).^۷ بخاری برای تکمیل دانش خود به حله سفر کرده و نزد علامه حلی فقه شیعه را فرا گرفته است.^۸ وی پس از تکمیل دانسته‌های خود بار دیگر به جبل عامل بازگشته است. وی دو مجلس داشته است. مجلسی که عام بوده و مجلسی که برای خواص و طلاب اهل علم برگزار می‌شده است. صفدی از دیدار خود با وی در سال ۷۲۲ در روستای مجدل سلیم سخن گفته و اشاره کرده که میان او و بخاری بحثی درباره رویت صورت گرفته است که صفدی به دیدگاه بخاری در نفی رویت اشاره کرده است. نکته بسیار جالب در گزارش

صفدی آن است که به نقل از ابن فضل‌الله عمری که در سال ۷۳۶ با بخاری دیدار داشته، از دیدار و رفت و آمد بخاری به مجالس ابن تیمیه و تلاش بخاری در فرونشاندن حمیت و تعصب ابن تیمیه در جدل علیه شیعه اشاره کرده است. صفدی نمونه‌ای از اشعار او را نیز نقل کرده است.^۹ صفدی بدون آنکه به تفصیل و یا دلایل خاصی اشاره کند، از مصادره خانه بخاری و کتابخانه‌اش سخن گفته و اشعاری که بخاری در این خصوص سروده است، را نقل کرده است. در این اشعار به صراحت بخاری تشیع خود را دلیلی دانسته که با او چنین کرده‌اند.^{۱۰} از شاگردان احتمالی او اطلاعی در دست نیست.

طومان بن احمد مناری

دیگر عالم ساکن در مناره شخصی است به نام طومان بن احمد که چیز زیادی درباره او دانسته نیست، تنها می‌دانیم که در حله و نزد محمد بن احمد بن صالح قسینی درس خوانده و از او اجازه‌ای دریافت کرده که نسخه اصلی آن در اختیار شیخ حسن صاحب معالم بوده و بخشی از آن را در اجازه بلند خود نقل کرده است. با تأسف صاحب معالم، تاریخ اخذ اجازه مناری را ذکر نکرده است. در بخشی از این اجازه قسینی از مناری به لفظ مجتهد یاد کرده که نشانگر مقام بلند علمی اوست. پدر شهید اول مکی بن محمد جزینی (متوفی حدود ۷۲۸) نزد طومان مناری شاگردی کرده است و شهید اول به کثرت ارتباط میان پدرش و مناری اشاره کرده است (و قد کان والدی... من تلامیذ المجاز له، الشیخ العلامة نجم‌الدین طومان، و المترددین إلیه...). مناری خود از شاگردان بخاری که خود وی نزد ابن عود درس خوانده، بوده است.^{۱۱} این دانسته‌ها، نخستین مطالبی است که درباره حوزه جبل عامل دانسته است. به وضوح مشخص است که حوزه جبل عامل در اصل چیزی جز ادامه و تداوم حوزه حله نیست. در این مرحله که می‌توان آن را مرحله انتقال میراث مکتب حله به جبل عامل دانست، عالمان عاملی تنها مکتب فقهی شکل گرفته را به جبل عامل منتقل کرده‌اند، بعدها حوزه جبل عامل، توانست به تکمیل و بسط میراث حوزه حله در عصر شهید اول و شهید ثانی بپردازد.^{۱۲}

حوزه جزین: میراث حله در انتقال و تکامل

در حالی که عموماً گفته می‌شود جزین به دلیل اقامت شهید اول و تأسیس مدرسه‌ای توسط او در آنجا، نخستین مرکز علمی شکل گرفته در جبل عامل است، به نظر می‌رسد که مطلب این گونه نباشد چرا که خود شهید بیشتر عمر خود را در حله و دمشق گذرانده است هر چند احتمال دارد که فرزندان شهید پس از شهادت پدر به جزین بازگشته باشند^{۱۳}، اما آنچه که مسلم است آن است که برخی از شاگردان شهید اول پس از دانش اندوزی نزد او به جبل عامل بازگشته‌اند.^{۱۴}

در سنت شفاهی متداول در جبل عامل گفته شده است که شهید در جزین مدرسه‌ای بنا نهاد که آن را مدرسه بزرگ وصف کرده‌اند. هر چند با توجه به اقامت شهید اول در حله و سپس در دمشق این روایت نمی‌تواند چندین صحیح باشد. بیشترین فعالیت شهید در حله و در دمشق بوده است. با این حال شهید در برخی فرصت‌ها به احتمال قوی در جزین هم اقامت داشته و آنچه که مسلم است آن است که برخی از خویشاوندان او در بعد در جزین به تدریس فقه شیعه مشغول بوده‌اند. از این رو خطا نخواهد بود که شهید را بتوان بنیانگذار حوزه فقه در جزین دانست. پس از شهید اول به احتمال زیاد فرزندان شهید اول از دمشق به جزین مهاجرت کرده باشند، هر چند در این خصوص اطلاع مشخصی در منابع دیده نشده است اما معقول است که فرض کنیم که آنها در جزین سکونت داشته‌اند.

شخصیت مهم در حوزه جزین، پسر عموی شهید اول، شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد بن داود مؤذن جزینی است^{۱۵} که نزد برخی عالمان جبل عامل همچون عزالدین حسن بن عسره که از شاگردان ابن فهد حلی بوده است در کرک نوح و زین‌الدین ابوالقاسم علی بن طی (علی بن علی بن محمد بن طی عاملی فقعی) (متوفی ۸۵۵) و سید علی بن دقماق که از شاگردان محمد بن شجاع قطان نگارنده کتاب *معالم‌الدین فی فقه آل یاسین* بود و خود از شاگردان فاضل مقداد سیوری بوده است، درس خوانده بود. وی همچنین اجازه روایت برخی از آثار کهن امامیه را که علی القاعده آنها را به درس نیز خوانده است، از پسر عموی خود یعنی ضیاء‌الدین علی بن محمد بن مکی جزینی اخذ کرده است. وی در اجازه‌ای که به علی بن عبدالعالی میسی (متوفی ۹۳۸) در تاریخ یازدهم محرم سال ۸۸۴ داده است، به تفصیل طرق مختلف خود را نقل کرده است. همانگونه که مشخص است می‌توان دریافت که بخش عمده تحصیل وی در جبل عامل بوده است. وی در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی، تصریح دارد که در جزین به دنیا آمده و در همانجا نیز سکونت دارد.^{۱۷}

حیات علمی در جبل عامل پس از شهادت شهید اول: حوزه عینا

عینا شهری در بلندی‌های جبل عامل در جهت جنوب غربی که اکنون نیز به همین نام مشهور است و آرامی بودن نام این شهر که به معنی چشمه آب است، دلالت دارد که از روزگار کهن از مراکز شهر نشینی بوده است. حوزه علمیه عینا، در ارتباط با سکونت دو خاندان برجسته شیعه در این شهر است و آنها خاندان بنو حسام و آل خاتون است. اطلاع ما درباره نخستین فرد شناخته شده از خاندان بنوحسام، درباره زین‌الدین جعفر بن حسام عینائی است که وی بنیانگذار حوزه عینا است. وی فقیه برجسته‌ای بوده که شیخ حر عاملی^{۱۸} از او به تعبیر از مشایخ برجسته (من المشایخ الأجلاء) یاد کرده و مجلسی از وی به عبارت شیخ بزرگوار و دانشمند (الشیخ الاعظم الاعلم) یاد کرده است.^{۱۹} این تعبیر

نشانگر جلالت و جایگاه بلند علمی اوست. با این حال درباره وی و فعالیت‌های او حتی نگاشته‌های او اطلاعی در دست نیست و شیخ حر عاملی تنها در شرح حال مختصر دو سطری او گفته که وی از سید حسن بن ایوب بن نجم‌الدین حسینی نقل روایت کرده است که نشانگر آن است که وی شاگرد شاگرد شهید اول بوده است.^{۲۰} بر این اساس می‌توان تاریخ حیات تقریبی او را نیمه نخست قرن نهم هجری دانست. بر این اساس می‌توانیم از تحصیل او در جزین و بازگشت وی به عینا و تأسیس حوزه عینا سخن بگوییم.

از شاگردان ابن حسام، نام چند تن از جمله برادرش زین‌الدین علی^{۲۱}، جمال‌الدین احمد بن حاج علی عینائی (متوفی حدود ۸۲۹)^{۲۲} و علی بن محمد بن دقماق دانسته است.^{۲۳} درباره جمال‌الدین عینائی دانسته که نقش مهمی در تثبیت حوزه عینا که استادش زین‌الدین بنا کرده بود، ایفا کرده است. اطلاع ما درباره نقش جمال‌الدین بر اساس این نکته است که وی استاد دو تن از عالمان برجسته عاملی به نام‌های محمد بن محمد صهیونی (متوفی حدود ۸۷۹)^{۲۴} و محمد بن علی بن محمد بن خاتون عینائی (متوفی حدود ۹۰۰) بوده است.^{۲۵} همچنین باید از ناصر بن ابراهیم احسائی بویه‌ی (متوفی ۸۵۳) از ساکنان احساء نام برد که در روزگار جوانی به جبل عامل مهاجرت کرد و در عینا سکونت گزید^{۲۶} و در همانجا درگذشت.^{۲۷} با توجه به تاریخ درگذشت وی، بویه‌ی را نیز می‌توان یکی دیگر از شاگردان جمال‌الدین دانست. بر اساس شاگردی افراد مذکور نزد جمال‌الدین هر چند دانسته‌ای چندانی درباره وی در دست نیست، می‌توان گفت که وی برجسته‌ترین فقیه عصر خود بوده است آن گونه که بویه‌ی از منطقه احساء برای فراگیری فقه به عینا مهاجرت کرده است. همین گونه شاگردی ابن مؤذن جزینی نزد وی نشانگر اهمیت و جایگاه جمال‌الدین است.

در میان شاگردان جمال‌الدین، شخصی که اهمیت فراوانی دارد و در بعد نقش مهمی در تداوم حوزه عینا داشته، ابن خاتون است. با انقراض خاندان بنوحسام نقش مهم در تداوم حوزه عینا را خاندان ابن خاتون که یکی از سرشناس‌ترین خاندان جبل عامل است، برعهده داشته‌اند.^{۲۸} از میان شاگردان ابن خاتون، نام دوتن از مشهورترین شاگردان او یعنی فرزندش ابوالعباس جمال‌الدین احمد^{۲۹} (متوفی حدود ۹۷۷) و علی بن عبدالعالی کرکی مشهور به محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) دانسته است که هر دو نقش مهمی در تحولات حوزه جبل عامل ایفا کرده‌اند.^{۳۰} در روزگار ابوالعباس احمد و فرزندش نعمت‌الله (متوفی حدود ۹۸۸) و نوه‌اش احمد، حوزه عینا تا به شکوه و اوج خود رسید و دو تن از برجسته‌ترین فقیهان شیعه، یعنی علی بن عبدالعالی کرکی و زین‌الدین بن علی جبّاعی (متوفی ۹۶۵)^{۳۱} در نزد برخی از افراد خاندان ابن خاتون درس خوانده و از آنها اجازه گرفته‌اند. آوازه شهرت خاندان ابن خاتون چندان بود که عالم و فقیه برجسته ایرانی ملا عبدالله بن حسین شوشتری (متوفی ۱۰۲۱) برای دیدار با آنها به عینا سفر کرد و نزد نعمت‌الله بن علی و فرزندش

احمد تحصیل کرده و از هر دو اجازه‌ای عام دریافت کرده است.^{۳۲} همچنین فقیه برجسته عاملی علی بن هلال کرکی مشهور به شیخ علی منشار^{۳۳} (متوفی ۹۸۴) به نزد نعمت‌الله رفته و از او اجازه روایت اخذ کرده و برخی متون فقهی را نیز نزد او خوانده است.^{۳۴} علی بن هلال بعدها به ایران سفر کرده و به مقام شیخ الاسلامی اصفهان در روزگار شاه طهماسب (متوفی ۹۸۴) دست یافت.^{۳۵} اطلاعات پراکنده‌ای از اجداد ابن خاتون که به صورت پراکنده در ضمن برخی نسخه‌های خطی در دست است. به عنوان مثال انهاء قرائتی از احمد بن محمد بن علی بن خاتون در دست است که در سال ۹۰۷ بعد از آنکه شخصی کتاب/البیان شهید اول را نزد او خوانده، به او داده است.^{۳۶}

نعمه‌الله بن احمد بن شمس‌الدین محمد بن بن علی بن محمد بن محمد بن خاتون عاملی عینائی که از شاگردان محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) بوده و شهید ثانی به واسطه او از محقق کرکی نقل روایت کرده است. محقق کرکی خود نیز شاگرد پدر نعمه‌الله، شمس‌الدین محمد بوده و از او اجازه‌ای در ۱۱ ذی‌الحجه ۹۰۰ اخذ کرده است.^{۳۷} در حقیقت شهید ثانی به واسطه این فرد اخیر بوده که طریق خود را به طریق محقق کرکی متصل کرده که طریق دیگری به اتصال به مشایخ از طریق استادش علی بن هلال جزائری داشته و برای شهید ثانی که طریق اتصالش به مشایخ از طریق علی بن عبدالعالی میسی بوده، و اخذ اجازه از نعمه‌الله عاملی فراوانی داشته است.

خاندان نعمه‌الله عاملی عینائی به خاندان ابن خاتون مشهور بوده‌اند و تا میانه عصر صفویه هنوز در جبل عامل و احتمالاً در روستای عینا اقامت داشته‌اند. در میان اجازات بحار/الانوار دو اجازه یکی از نعمه‌الله بن احمد بن خاتون^{۳۸} و دیگری فرزندش احمد بن نعمه‌الله بن احمد بن خاتون عینائی^{۳۹} به ملا عبدالله بن حسین تستری نقل شده که مرا برای شناخت این خاندان یاری می‌دهد.^{۴۰} می‌دانیم که ملا عبدالله بن حسین تستری از اصفهان به جبل عامل مهاجرت کرده و در نزد مشایخ آنجا که دو فرد پیشگفته از جمله آنها بوده‌اند، تحصیل کرده و خود نقش مهمی در شکل‌گیری حوزه اصفهان داشته است و مجلسی اول از او به عنوان شخصیت برجسته‌ای که نقش مهمی در شکل‌گیری حوزه اصفهان داشته یاد کرده است.^{۴۱}

احمد بن نعمه‌الله خاتون در اشاره به همین معنی یعنی مهاجرت ملا عبدالله به جبل عامل در بخش نخست اجازه اشاره کرده است:

بعد أن ذاق مرارة الاغتراب عن وطنه، و خاض غمرات الأهوال فی سفره
حزنه و سهله، و من الله علیه بحج بیته الحرام، و زیارة قبر رسوله، علیه و آله
الصلوة و السلام و الحلول ببلدتنا عینا حرسها الله من قری الشام، التمس
من أخیه و محبه الفقیر... احمد بن نعمه‌الله بن احمد بن خاتون العاملی أن
اجیز ما اجیز لی روايته.

این عبارت از چند جنبه اهمیت دارد. نخست آنکه نشانگر آن است که عالمان ایرانی در این دوران بعد از انجام حج و برای آنکه از راه امن تر به ایران بازگردند با کاروان‌های دمشق و شام همراه می‌شده‌اند و با این کار به دو هدف می‌رسیده‌اند. اول بازگشت از راهی کم‌خطر تر به ایران و مطلب مهمتر دیدار از جبل عامل و عالمان مقیم در آنجا. با توجه به تاریخ صدور اجازه یعنی روز جمعه، ۱۷ محرم سال ۹۸۸ در می‌یابیم که خاندان ابن خاتون در این تاریخ در روستای عینا ساکن بوده‌اند و تستری پیش از رفتن به جبل عامل نخست حج به جا گذارده و در راه برگشت از سفر حج به جبل عامل رفته است.

در بیان طریق اتصال خود به مشایخ، احمد بن نعمه‌الله از پدرش نعمه‌الله که وی را به داشتن عمری بلند توصیف کرده و گفته که هنوز در قید حیات است (...الشیخ نعمه‌الله خرق‌الله العادة بطول عمره...) و او طریق اتصالش به مشایخ به واسطه پدرش شهاب‌الدین احمد بوده که او نیز شاگرد پدرش شمس‌الدین محمد بوده است. احمد بن نعمه‌الله بیان داشته که شمس‌الدین محمد در زبان و ادبیات عرب فردی برجسته بوده و شاگرد جمال‌الدین احمد بن حاجی علی عینائی بوده است. جمال‌الدین احمد نیز شاگرد زین‌الدین جعفر بن حسام از شاگردان حسن بن ایوب شاگرد شهید اول بوده است.

نکنه جالب توجه دیگری که در متن اجازه احمد بن نعمت‌الله عاملی توجه را به خود جلب می‌کند، عبارت پایانی متن اجازه است. درباره اینکه اوضاع اجتماعی شیعیان در جبل عامل در این سالهای پرتنش در روابط میان صفویه و عثمانی چه بوده، شواهد و مدارک اندکی موجود است هر چند این شواهد اندک بیان از فشار و دشواری زندگی آزادانه شیعیان در این منطقه دارد خاصه مهاجرت فقیهان و عالمان ایرانی به جبل عامل برای تحصیل در نزد فقیهان عاملی نکته‌ای که تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است، سوء ظن مقامات محلی عثمانی را برانگیخته است. در اشاره به چنین دشواری‌هایی احمد بن نعمت عاملی هر چند به گونه‌ای تلویحی و نه صریح می‌نویسد:

... و أن یقبل عذری فی التقصیر فان ذلک قلیل من کثیر، و افراد من جم غفیر، و شواهد الحال من اختلال الأحوال و عموم الفتن و الأهوال، و تشویش البال، یولد المسامحة و قبول الاعتذار إن شاء الله تعالی...^{۴۲}

در حقیقت همین فشارها بود که باعث شد تا افرادی از این خاندان که در ادامه از آنها سخن خواهیم گفت، مجبور به ترک زادگاه خود شده و به ایران، مکه و هند مهاجرت کنند.^{۴۳} محمد بن احمد بن نعمه عاملی که در عینا در نزد پدر و پدربزرگش تحصیل کرده است، شخصیت شناخته شده‌ای این خاندان است که به مکه مهاجرت کرده و در این روزگار به دلیل آنکه امارت شهر در دست سادات حسنی بوده، مکان نسبتاً امنی برای فقیهان و عالمان شیعه بوده هر چند به دلیل آنکه عثمانی‌ها پادگان نظامی جداگانه‌ای نیز در شهر داشته‌اند و فرمانده‌ای از جانب خود بر آنجا منصوب کرده‌اند، این آرامش را برهم زده

بودند، اما در کل شهر مکه برای اقامت فقیهان شیعه تا حدی امن بوده است. وی در ۱۰۰۸ اجازہ‌ای به سید ظہیرالدین میرزا ابراہیم بن حسین حسینی ہمدانی (متوفی ۱۰۲۶) دادہ است. ہمدانی کہ عالمی ایرانی بودہ در سفر حج خود با محمد دیدار داشتہ و یک سالی را در مکہ اقامت داشتہ در حالی کہ سن و سالی از او و شیخ مجیزاش گذشتہ است، این اجازہ را از وی دریافت کردہ است.^{۴۴} عینائی در این اجازہ بہ عمر بلند ہمدانی اشارہ کردہ (و رأیتہ دام ظلہ و خرقت لہ العادۃ بطول البقاء...) اجازہ‌ای بہ ہمدانی دادہ است.^{۴۵}

حوزہ کرک نوح

کَرک / کرک نوح: شهری در مرکز جبل لبنان است کہ نامی آرامی و بہ معنی قلعہ است.^{۴۶} و نشانگر قدمت آن است. مشخص است کہ کرک در واقع شهری دژگونه بر سر راہ موصلاتی بہ دمشق بودہ است. نخستین شخص شناختہ شدہ از این منطقہ از اہل علم، شخصی بہ نام طارق بن احمد کرکی (متوفی ۵۹۲) است کہ دانستہ‌ہای چندانی دربارہ او نمی‌دانیم. ذہبی از او با وصف محدث و عالم یاد کردہ و گفتہ کہ تاجری متمول و شیعه بودہ است.^{۴۷} در منابع شیعی، اطلاعی دربارہ او نیست و سید محسن امین تنها مطالبی را کہ نقل شد، ذکر کردہ است.^{۴۸} اما نخستین فردی کہ می‌باید او را پیشگام در تأسیس حوزہ کرک یاد کرد، حسین بن محمد بن ہلال کرکی (متوفی حدود ۷۵۷) است کہ شاگرد شہید اول بودہ است. وی با شہید در حلہ آشنا شد و نزد وی شاگردی کردہ و از او اجازہ دریافت کردہ است.^{۴۹} تمام دانستہ‌ہا ما دربارہ وی محدود بہ همین مطالب است. با این حال حوزہ کرک در روزگار وی اهمیت عینائا را نیافتہ است. از دیگر عالمان کرک، نام محمد بن عبدالعالی کرکی (متوفی ۸۰۸) دانستہ است کہ احتمالاً وی عمومی محقق کرکی باشد. او از شاگردان شہید اول است^{۵۰} و با وجود آنکہ اطمینان داریم کہ در کرک ساکن بودہ، با این حال خبری از اینکہ وی نقشی در شکل‌گیری حوزہ کرک داشتہ باشد، در دست نیست.^{۵۱}

شخصیت کلیدی در تحول حوزہ کرک، ابن عشرہ کسروانی است. عزالدین حسن بن یوسف مشہور بہ ابن عشرہ کسروانی (متوفی ۸۶۲) کہ دربارہ وی نکات چندانی دانستہ نیست و در ضبط نام وی نیز اختلافاتی در منابع وجود دارد کہ این مسئلہ بیشتر بہ دلیل اختلاف در نسبت دادن افراد بہ نام اجداد آنها بہ جای پدر است کہ بہ باعث بروز اختلافاتی در شناخت هویت فرد، خاصہ در زمانی کہ اطلاعات دربارہ فرد مذکور اندک باشد، می‌گردد.^{۵۲} صورت صحیح نسبت او یعنی کسروانی، نیز بہ دلیل کمتر شہرت داشتن و شناختہ بودن نام کسروان و بنا بر قاعدہ ذکر نسبت افراد بہ نام شناختہ تر شدن از همان منطقہ گاہ بہ کرکی نیز ذکر شدہ است کہ اگر تصحیف کسروانی نباشد، بنا بر قاعدہ مذکور می‌توان آن را توجیہ کرد.^{۵۳} بر اساس مطلبی است کہ شاگرد وی محمد بن علی جباعی

آورده است.^{۵۴} مسلم است که وی نزد دو تن از شاگردان شهید یعنی حسن بن ایوب^{۵۵} و محمد بن علی بن نجده^{۵۶} و به احتمال قوی در جزین تحصیل کرده است. وی مدتی در عراق نیز به تحصیل پرداخته و از ابن فهد که در حله اقامت داشته، اجازه دریافت کرده است. مسلم است که وی بعد از اتمام تحصیلات خود، به کرک بازگشته چرا که درباره شاگردان وی دانسته است که به کرک برای تحصیل نزد وی می‌رفته‌اند که دلالت بر جایگاه بلند علمی او نیز دارد.^{۵۷}

از میان شاگردان مختلف ابن عشره کسروانی نام شش تن شناخته شده که از میان آنها محمد بن اسکاف کرکی را تنها افندی^{۵۸} در ضمن شرح حال ابن عشره یاد کرده^{۵۹}، و شخص دیگری به نام محمد بن احمد بن محمد مطاری شخصیت‌های کاملاً شناخته شده‌ای نیستند. آقابزرگ طهرانی^{۶۰} در ضمن شرح حال سید حسین بن علی حسینی سبزواری گفته که وی نسخه‌ای از کتاب *الدورس* شهید اول را در ۸۷۲ در کرک کتابت کرده و در آخر آن نیز اجازه‌ای درج شده که در این اجازه مطاری استاد خود را ابن عشره معرفی کرده و گفته که پدر بزرگ او محمد بن عبدالعلی بن نجده از شاگردان شهید اول است. اطلاع دیگری درباره وی در دست نیست.^{۶۱} دیگر شاگردان وی عالمان و فقیهان مشهوری هستند. این افراد عبارتند از: محمد بن علی جبّاعی (متوفی ۸۷۶) که وی بنیانگذار حوزه جبّاع یا جبّع است^{۶۲} و سرسلسله خاندان مشهور که شناخته‌ترین چهره آنها حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴) و بهاء‌الدین محمد عاملی (متوفی ۱۰۳۰) است؛ محمد بن محمد بن مؤذن جزینی که وی در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی از استاد خود ابن عشره کسروانی با عنوان «شیخی الافضل» یاد کرده است^{۶۳}؛ محمد بن احمد صهیونی که وی نیز در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی، در ۸ ذی‌القعدة سال ۸۷۹، از کسروانی به استاد و شیخ روایت خود یاد کرده^{۶۴} و علی بن هلال جزائری (متوفی حدود ۹۰۹) که اصل وی از منطقه جزائر در جنوب هورهای عراق است که به کرک مهاجرت کرده و در آنجا نزد ابن عشره به فراگیری فقه پرداخته است. وی در اجازه‌ای از ابن عشره با عبارت‌های بلند و توصیفاتی همچون استاد، شیخ بزرگوار، عالم، و فاضل کامل یاد کرده است.^{۶۵} علی بن هلال بخش اعظمی از عمر خود را در کرک بسر برد و خود به تعبیر شاگرد نامورش علی بن عبدالعالی کرکی، شیخ و بزرگ بلا منازع امامیه در روزگار خویش بوده است.^{۶۶} ابن عشره در کرک و در سال ۸۶۲ درگذشت^{۶۷} در حالی که حوزه کرک در روزگار وی به مکانت ارجمندی دست یافته بود تا آنجا که علی بن هلال جزائری به قصد فراگیری دانش فقه به نزد او رفته است. همچنین محمد بن علی بن ابی‌جمهور احسایی نیز از آنجا دیدار کرده بود و به کسروانی اجازه داده و از او اجازه دریافت کرده بود.^{۶۸}

سادات بنو اعرج و نقش آنها در تحول حوزه کرک نوح

نکته مهم دیگر درباره حوزه کرک، اقامت خاندان سادات بنو اعرج در کرک است که اهمیت و جایگاهی همانند خاندان ابن خاتون در عینا تا دارند که تا زمان مهاجرت به ایران جایگاه ویژه‌ای در کرک داشته‌اند و مقام ممتازی بر خلاف خاندان آل خاتون در ایران نیز به دست آوردند. نخستین فرد شناخته شده از خاندان بنو اعرج حسن بن ایوب است که یکی از شاگردان شهید اول است و خود استاد جعفر بن حسام عینائی و ابن عشره کسروانی بوده است. پس از وی فرزندش جعفر^{۶۹} و سپس نواده‌اش حسن بن جعفر کرکی (متوفی ۹۳۹) که نخستین فرد ساکن در کرک است از چهره‌های شناخته شده خاندان بنو اعرج هستند.^{۷۰} حسن بن جعفر کرکی در کرک نزد علی بن هلال تحصیل نمود و نزد وی علی بن هلال کرکی مشهور به شیخ علی منشار (متوفی ۹۸۴)، زین‌الدین بن علی جباعی مشهور به شهید ثانی^{۷۱} و حسین بن عبدالصمد حارثی جباعی تحصیل نموده بودند که جملگی از عالمان مشهور دوران خود بوده‌اند.

اطلاعات جامعی درباره حسن بن جعفر کرکی (متوفی ۹۳۶) در دست است و پس از شهید اول، وی نخستین فقیهی است که دانسته‌های کاملی درباره نگاشته و تألیفات وی در دست است که می‌تواند برای شناخت فضای فکری و دانش‌های مورد توجه در حوزه کرک سودمند باشد. وی شرحی بر کتاب *الطیبة الجزریة فی القراءات العشر* محمد بن محمد جزری و در دانش اصول فقه کتابی به نام *العمدة الجبلة فی الاصول الفقهیه* نگاشته و کتابی به نام *المحجة البیضاء و الحجة الغراء* تألیف کرده و در آن مباحثی در فروع شریعت و حدیث و تفسیر ارایه کرده و در دانش نحو و تصریف و معانی و بیان کتابی به نام *مفنع الطلاب فیما یتعلق بکلام الأعراب* نگاشته که متأسفانه تمام این آثار از میان رفته و دست کم تا کنون نسخه‌ای از آنها شناخته نشده است.^{۷۲} حسن بن جعفر کرکی پسر خاله محقق کرکی و داماد او بوده است.^{۷۳} وی در دوران شاه اسماعیل اول و شاید در سال ۹۱۶ که محقق کرکی به ایران سفر کرد و یک چندی نیز در ایران سکونت گزیده باشد.^{۷۴} در این دوران با توجه به برقراری حکومت صفویه، عالمان جبل عاملی بسیاری برای زیارت و دیدار از بارگاه امام علی بن موسی الرضا - علیهما السلام - به ایران سفر کرده‌اند که اخبار پراکنده سفرهای آنها را در انجامه‌های نسخه‌های خطی فراوانی آمده است.^{۷۵} فرزند وی میر حسین بن حسن کرکی که حاصل ازدواج وی با دختر محقق کرکی بود، نخستین فرد از خاندان سادات بنو اعرج است که به ایران مهاجرت کرد و در آنجا به مقامات بلندی دست یافت و بعدها فرزندش میر حسین مشهور به میر حسین مجتهد به شیخ الاسلامی شهر اردبیل در بدو ورود خود به ایران و بعدها شیخ الاسلامی قزوین دست یافت^{۷۶} و شخصیت مهمی در ساختار نهاد دینی عصر صفویه بود و پس از مرگش فرزندانش در تمام دوره صفویه به مقامات بلندی در حکومت صفویه دست یافته‌اند.^{۷۷}

حوزه میس

میس روستایی در بلندیهای جنوبی جبل عامل که مشرف بر دشت‌های حوله است و اکنون نیز به همین نام شناخته می‌شود.^{۷۸} شخصیتی محوری در شکل‌گیری حوزه جبل عامل و تحولات در تاریخ فرهنگی جبل عامل، علی بن عبدالعالی میسی مشهور به ابن مُفلح (متوفی ۹۳۸) است هر چند عمر حوزه میس اندک و کوتاه بوده و پس از درگذشت میسی فرزندان، میس را ترک کرده و به عراق و سپس ایران مهاجرت کرده‌اند.^{۷۹} میسی نزد محمد بن محمد بن مؤذن جزینی و محمد بن احمد صهیونی که هر دو از شاگردان ابن عسره در کرک بودند، تحصیل کرده است و از ابن مؤذن در یازدهم محرم سال ۸۸۴ اجازه‌ای دریافت کرده است^{۸۰} و از صهیونی در روز پنجشنبه ذی القعدة سال ۸۷۴ اما در متن هر دو اجازه اشاره‌ای به مکان صدور آنها نشده است^{۸۱} تنها می‌توانیم بگوییم که میسی پس از اتمام تحصیلات خود به میس بازگشته و در همانجا اقامت گزیده است. شهید ثانی که شاگرد میسی بوده از وی به تعبیری چون امام اعظم، شیخ بزرگان عصر، و تربیت‌کنندگان علماء (مربی العلماء) یاد کرده^{۸۲} که از میان این افراد تنها نام حسن بن جعفر بن ایوب کرکی، شیخ و عالم برجسته کرک در روزگار خود، علی بن احمد بن حجه جُبّاعی^{۸۳} و فرزندش زین‌الدین بن علی مشهور به شهید ثانی.^{۸۴} هر چند میسی می‌باید شاگردان دیگری نیز داشته باشد چرا که عبارت تربیت‌کنندگان علماء که شهید در اشاره به او به کار برده، نشانگر گستردگی حوزه درس و بحث اوست. با مرگ میسی در ۹۳۸ حوزه میس نیز محدود شد^{۸۵} و فرزندان او ابراهیم و جعفر در آنجا اقامت داشتند اما با شرایط جدیدی که برای آنها پدید آمد و به درستی نیز درباره این شرایط اطلاعی در دست نیست، اما می‌توان فشارهای روزافزون ناشی از تیرگی شدید روابط میان صفویه و عثمانی که وضعیت زندگی کلی شیعیان در شام را به شدت به مخاطره انداخته بود، مجبور به مهاجرت به نجف شده باشند.^{۸۶} پس از آن عراق در سال ۹۴۸ به برای همیشه تحت سیطره عثمانی قرار گرفت، برخی از عالمان شیعی ساکن در آنجا و احتمالاً عبدالکریم بن ابراهیم نیز ترجیح دادند تا به ایران مهاجرت کنند. وی از عالمان مشهور عصر شاه طهماسب صفوی^{۸۷} و پدر شیخ لطف‌الله میسی است که مسجد مشهور شیخ لطف‌الله که شاه عباس اول در اصفهان بنا نمود و او را به پیشنهادی آنجا و متولی موقوفات مدرسه‌ای که وی در آنجا به تدریس مشغول بود، منصوب کرد، به نام او شهرت دارد.^{۸۸} فرزندان و احفاد آنها در اصفهان تا روزگار افندی اقامت داشته‌اند.^{۸۹}

حوزه مشغره

مشغره شهری در دشت جبل لبنان بر کناره وادی که نهر لیتانی آن را به دو بخش دشت بقاع و جبل لبنان تقسیم کرده است. مشغره در زمانی کهنتر مرکزیت علمی یافته است و نام

یوسف بن حاتم مشغری (متوفی حدود ۶۶۴) که به حله رفته و در آنجا درس خوانده، دانسته است.^{۹۰} اما پس از او وقفه طولانی در فعالیت‌های علمی مشغره پدید آمده تا روزگار محمد بن حسین بن محمد بن محمد بن مکی (متوفی حدود ۹۰۳) که نیای خاندان آل حر است و فعالیت‌های علمی مشغره را باید از روزگار وی دانست و تاریخ فرهنگی مشغره در حقیقت تاریخ خاندان آل حر در این شهر است. تنها اطلاع ما درباره تاریخچه خاندان آل حر، اجازه‌ای است که علی بن عبدالعالی کرکی به شیخ حسین بن شیخ شمس‌الدین محمد حر بن شیخ شمس‌الدین محمد بن مکی داده و متن کامل آن در بحار آمده است.^{۹۱} اجازه که در دمشق و شانزدهم ماه رمضان سال ۹۰۳ داده شده نشانگر آن است که فرد اجازه گرفته (مُجاز) یعنی شیخ حسین در آن هنگام در دمشق ساکن بوده است و پدر و جدشان هیچ یک اهل مشغره نبوده‌اند و بیش از این درباره آنها مطلبی دانسته نیست. تنها بر اساس تعبیر شیخ به کار رفته در معرفی آنها می‌توان گفته که از علماء و فقهاء امامیه بودند. با این حال نکته شگفت‌انگیز آن است که شیخ حر عاملی اشاره‌ای به شرح حال هیچ یک از آنها نکرده است.

شیخ حر عاملی نخستین کسی از اجداد را که معرفی کرده و از او به عنوان ساکن در مشغره یاد کرده، پدر بزرگ پدرش، محمد بن حسین حر عاملی مشغری است.^{۹۲} شهرت او به مشغری نشانگر آن است که وی را باید نخستین فرد از خاندان آل حر دانست که از دمشق به مشغره مهاجرت کرده است. شیخ حر عاملی پدر بزرگ پدرش، محمد را به عنوان فردی عالم، فقیه‌ای جلیل‌القدر و دارای مکاتبتی بزرگ یاد کرده و گفته که وی برترین مردمان روزگارش در امور دینی بوده است هر چند توصیف اخیر تا حدی زیادی اغراق آمیز است چرا که وی معاصر و هم دوره با بزرگانی چون علی بن عبدالعالی میسی، علی بن عبدالعالی کرکی و شهید ثانی بوده است. احتمالاً مهاجرت وی از دمشق به مشغره، در ارتباط با سقوط ممالیک شام و افتادن شام به دست عثمانی و سیاست‌های ضد شیعی آنها باشد و بر این اساس تاریخ مهاجرت وی بعد از ۹۲۲ و نبرد مرج دابق باشد. وی سه فرزند داشته که هر سه از اهل علم بوده‌اند و عبارتند از محمد و عبدالسلام و علی. شیخ حر^{۹۳}، عموی خود محمد را با وصف عالم فاضل محقق و مدقق یاد کرده و از تبحر وی در زبان عربی سخن گفته و اشاره کرده که او شاعر، ادیب و توانا در فن انشاء بوده و در جایی دیگر^{۹۴} از وی به برترین اهل عصر خود در دانش کلام یاد کرده است. وی نزد پدرش و شیخ حسن صاحب معالم و سید محمد صاحب مدارک درس خوانده است اما گفته شیخ حر درباره تحصیل شیخ محمد نزد صاحب معالم و مدارک نادرست است و وی در حقیقت شاگرد شهید ثانی بوده است.^{۹۵}

وی نخستین فرد مهاجر از خاندان آل حر به ایران است که در ایران با شیخ بهایی دیدار داشته و وی دو قصیده زیبا در ستایش شیخ بهایی سروده است.^{۹۶} وی سه اثر به نام‌های

نظم تلخیص المفتاح، رساله‌ای در اصول و رساله‌ای در عروض داشته است. دیگر عموی شیخ حر عاملی، عبدالسلام بن محمد در مشغره و نزد پدر و برادرش علی و سپس نزد حسن بن زین الدین، صاحب معالم و سید محمد مشهور به صاحب مدارک تحصیل نمود.^{۹۷} وی اولین استاد شیخ حر عاملی است و شیخ حر او را به فردی ماهر در فقه و ادبیات عرب یاد کرده و گفته که نزد او شروع به خواندن متون درسی کرده در حالی که سنش در آن هنگام ده سال بوده است. بر اساس مطلب اخیر می‌توانیم از تداوم نشاط حوزه مشغره تا سال ۱۰۴۳ سخن بگوییم. عبدالسلام رساله‌ای با نام *ارشاد المنصف البصیر الی طریق الجمع بین أخبار التقصیر*، رساله‌ای در مفطرات و رساله‌ای درباره مسئله نماز جمعه داشته است.^{۹۸} عموی دیگر شیخ حر، یعنی علی هر چند خود جایگاه و مقام علمی چندانی در قیاس با دیگر برادران خود نداشت، اما نسل خاندان حر از طریق باقی ماند. وی سه پسر به نام‌های حسین، حسن و محمد داشته است. حسین دومین فرد از خاندان آل حر است که به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان سکونت داشته و در خانه شیخ بهایی بوده است و تا هنگام مرگ شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰) نزد وی بوده و اندکی پس از او درگذشته است؛^{۹۹} حسن پدر شیخ حر عاملی بوده و خود چهار فرزند به نام‌های محمد، زین‌العابدین داشته که بعدها آنها نیز به ایران مهاجرت کردند و دو تن دیگر به نام‌های احمد و علی که در مشغره درگذشته و در همانجا به خاک سپرده شدند. دیگر فرزند علی بن محمد، محمد از مشغره به جباع مهاجرت کرد که تا اکنون نیز نوادگان او در همانجا سکونت دارند و وی نخستین فرد از خاندان آل حر است که شیخ حر عالمی از او با وصف مشغری جباعی یاد کرده است.^{۱۰۰} با مهاجرت این افراد حوزه مشغره نیز از میان رفت اما تداوم آن در مکان‌های دیگر ادامه یافت. ویژگی مهم خاندان آل حر گرایش اخباری آنهاست و می‌توان این پرسش را مطرح کرد که این گرایش که به صورت مشخص در شیخ حر عاملی که می‌باید او را بنیانگذار واقعی اخباری‌گری در ایران دانست و عنوان کتاب وی یعنی *وسائل الشیعه لتحصیل مسائل الشریعه* به وضوح بر آن دلالت دارد، از کجا ریشه گرفته است؟ متأسفانه پاسخی روشنی به این پرسش نمی‌توان داد اما احتمال دارد اخباری‌گری خاندان حر، شیوه‌ای باشد که آنها در بعد اخذ کرده‌اند یا می‌تواند نتیجه تحولات درونی خود خاندان آل حر باشد که به احتمال زیاد حدس نخست درست باشد، خاصه آنکه شیخ حر عاملی^{۱۰۱} از عالمی به نام حسین بن حسن ظهیری (زنده در ۱۰۷۲)^{۱۰۲} ساکن در جبع به عنوان یکی از استادان مهم خود یاد کرده که گرایش اخباری داشته و در *المسائل الظهیریة*^{۱۰۳} خود به این گرایش خود تصریح کرده است.

حوزه جُباع

جُباع یا جُبع شهری مشرف بر صیدا که اکنون نیز به همین نام شناخته می‌شود و نام

آرامی شهر نشان از قدمت آن دارد.^{۱۰۴} درباره تاریخ جبع پیش از قرن نهم هجری اطلاعاتی از حیث ارتباط با مرکز علمی شیعه در دست نیست و احتمالاً مهاجرت شیعیان به این شهر، پس از فتح شام و مصر توسط عثمانی و تغییر اوضاع جبل عامل باعث شکل‌گیری حوزه جباع شده باشد چرا که درباره محمد بن علی بن حسن جباعی (متوفی ۸۸۶) دانسته است که اجداد وی در روستای لویزه در نزدیکی جباع اقامت داشته‌اند و به لویزانی شهرت داشته‌اند. محمد جباعی نیز نزد ابن عشره کسروانی در کرک تحصیل نمود و خود تصریح کرده که متون مختلف را نزد او خوانده است (قرات علیه کثیراً).^{۱۰۵} شهید ثانی، جباعی را عبارت «الشیخ الامام» در اجازه‌ای که به نواده وی حسین بن عبدالصمد جباعی داده یاد کرده که تعبیری بلند است و دقیقاً علت بیان این توصیف را نمی‌دانیم.^{۱۰۶} درباره نگاشته‌های جباعی جز مجموعه مشهور او اطلاعاتی در دست نیست که در دست افراد خانواده جباعی بوده و بر آن مطالبی توسط محمد بن زهره جباعی (متوفی ۹۴۴)، حسین بن عبدالصمد جباعی حارثی (متوفی ۹۸۴) و بهاء‌الدین محمد عاملی (متوفی ۱۰۳۰) افزوده شده و مشتمل بر مطالب تاریخی و علمی فراوانی است.^{۱۰۷} از برادر وی یعنی احمد بن محمد بن علی جباعی نیز اطلاعات چندانی در دست نیست.^{۱۰۸} نسخه‌ای کهن از کتاب *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام* علامه حلی (متوفی ۷۲۶) موجود است که فردی به نام حسن بن احمد بن سعید کتابت آن را در جمعه دهه آخر ربیع الثانی ۸۶۰ به پایان برده و در حاشیه تصحیح شده و حاشیه نویسی فراوانی دارد که نشانگر آن است که متن تدریس می‌شده است. گفته شده که نسخه از روی نسخه‌ای که به خط مؤلف بوده، کتابت شده است. بر روی برگ نخست نسخه گفته شده که مالک آن احمد بن محمد بن علی جباعی بوده است.^{۱۰۹}

دیگر برادر جباعی، تقی‌الدین ابراهیم بن علی بن حسن بن محمد بن صالح بن اسماعیل کفعمی است که به دلیل سکونت در روستای کَفَرِ عَیْمَا به کفعمی شهرت دارد. افندی در شرح حال وی گفته که وی کفعمی مولداً است که نشانگر آن است که پدرش علی بن حسن بن محمد بن صالح که اهل روستای جبع بوده، پیش از ولادت وی از روستای جبع به کفرعیما مهاجرت کرده است.^{۱۱۰} وی پس از فراگیری مقدمات دانش در نزد پدرش و دیگر عالمان جبل عامل به عراق رفت و در حله نزد حسین بن مساعد حسینی حائری^{۱۱۱} و علی بن عبدالحسین بن سلطان موسوی حسینی به تحصیل پرداخت. کفعمی همچنین مدتی در کربلاء و نجف ساکن بوده است.^{۱۱۲} اطلاع دقیقی درباره تاریخ درگذشت وی در دست نیست اما تا سال ۸۹۵ که کتاب *المصباح* خود را نگاشته، در قید حیات بوده است. شهرت اصلی وی به دلیل نگارش *آثاری چون البلد الامین و الدرع الحصین، الجنة الواقية و الجنة الباقية* که به مصباح کفعمی شهرت دارد، شناخته شده است.^{۱۱۳}

حوزه جباع توسط شهید ثانی و فرزندانش که در آنجا به تدریس فعالیت داشتند، رونق

فراوانی یافت و به اوج خود رسید. پیش از شهید نیز عالمانی به نام‌های علی بن احمد نحاری (متوفی ۹۲۵) که پدر شهید بوده و عبدالصمد بن محمد جبّاعی (متوفی ۹۳۵) و حسین بن ابی الحسن موسوی (متوفی ۹۶۳) جد و نیای خاندان آل ابی الحسن را نام برد که در حوزه جبع به فعالیت و تدریس اشتغال داشته‌اند. گفته شد که حوزه جبع توسط شهید ثانی به جایگاه رفیعی رسید. ظهور صفویه و امکان بهره‌گیری عالمان عاملی از منابع مالی سرشار که در مدارس مختلف شیعی در سراسر قلمرو حکومت صفویه در اختیار آنها قرار می‌داد، به سرعت باعث جذب آنها به ایران و سفر آنها به ایران شد. شاید در آثار رسمی تاریخ نگاری این دوره، اطلاعات بسیار اندکی از سفر عالمان جبل عاملی به ایران در این دوره باشد، اما از طریق منابع دیگری می‌توانیم اطلاعات فراوانی از سفرهای عالمان عاملی به ایران خاصه در دوره شاه اسماعیل اول و دوم به دست آوریم.

اطلاعات بسیار اندک، پریشان و گاه متناقض درباره عالمان دوره شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب خاصه به دلیل آنکه در اثر متاخر نگاشته شده در اواخر دوران صفوی، ریاض العلماء نیز به دلیل قلیل بودن، اطلاعات کاملی از عالمان شیعه در این دوران نیامده است، باعث شده است تا محققان درباره برخی جنبه‌های تحولات دینی عصر نخست صفویه، با مشکلاتی روبرو شوند. از این رو گردآوری تمام اطلاعات ممکن و تحلیل کامل آنها می‌تواند برای حل این مشکل مفید باشد. اما از چه منابعی می‌توان در این کار بهره گرفت؟ بی‌گمان فهرست نسخه‌های خطی اهمیت بسیار فراوانی در این خصوص دارند و هر چند نحوه فهرست نگاری به گونه‌ای نیست که تمام مطلوب مورخان را برآورده کند اما از طریق برخی اشارات و سرنخ‌ها می‌توان برای یافتن شرح حال و یا اطلاعاتی درباره عالمان امامی این دوره از این آثار بهره گرفت. به عنوان مثال در کتابخانه آیت‌الله العظمی ملا زین العابدین گلپایگانی (متوفی ۱۲۸۹) در شهر گلپایگان، نسخه‌ای نفیس از کتاب *منتهی‌المطلب فی تحقیق‌المذهب علامه حسن بن یوسف حلی* (متوفی ۷۲۶) است که شخصی به نام محی‌الدین بن حسین ابن ابی الحسن الحسینی عاملی آن را با نسخه‌ای که از روی نسخه اصل کتاب کتابت شده مقابله کرده است. تاریخ اتمام و فراغت از مقابله ۹۸۳ ذکر شده و از همه جالب‌تر گفته شده که این کار را مؤلف در مشهد الرضا به اتمام رسانده است.

در میان سادات مشهور ساکن در جبل عامل، خاندان ابن ابی الحسن عاملی از سادات مشهور و عریق هستند که در قرن دهم مشهورترین فرد این خاندان شخصی است به نام حسین بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن ابی الحسن حسینی موسوی جبّعی که در روستا جبع سکونت دارند. شهید ثانی با دختر او ازدواج کرده است. بر این اساس اطلاع فوق اهمیت فراوانی دارد و نشان می‌دهد که شخص اخیر، فرزندی به نام محی‌الدین داشته است که در سال ۹۸۳ برای زیارت امام رضا - علیه السلام - همانند بسیاری از فقها عاملی

به ایران سفر کرده هر چند درباره اینکه وی در ایران اقامت گزیده یا باز به جبل عامل بازگشته، به درستی نمی‌توان سخن گفت. این مطلب که وی نسخه‌ای از کتاب فقهی مهم علامه حلی یعنی *منتهی‌المطلب* را کتابت و سپس با نسخه‌ای که از روی نسخه اصل نگاشته شده بود، مقابله کرده، نشان می‌دهد که وی تنها کاتبی ساده نبوده و خود فرد عالمی بوده است.^{۱۱۴} همچنین اطلاع مهمی درباره یکی دیگر از عالمان عاملی زین‌الدین بن محسن بن حسین بن محمد عاملی در دست است که نگارنده کتاب *ایضاح‌البیان فی تحقیق الایمان* است که تا مدت‌ها با عنوان *حقائق‌الایمان* و اثری منسوب به زین‌الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) شناخته شده بود و تنها با یافتن شدن نسخه‌ای از کتاب در بنیاد فارس شناسی هویت اصلی اثر شناخته شد. نکته‌ای که به بحث ما مربوط می‌گردد این است که شخصی به نام علی بن محمد بن احمد بن ابراهیم جبایعی که فردی عاملی است در مشهد مقدس و به تاریخ ۲۲ صفر ۹۸۴ از تعلیقه نویسی بر این نسخه فراغت حاصل کرده است و نزد مؤلف خوانده است.^{۱۱۵}

همانگونه که در بررسی مراکز یا حوزه‌های علمیه مختلف در روستاهای جبل عامل با مفهومی که از مراکز علمی تعریف شد، مشاهده شد، مراکز علمی منطقه جبل عامل در اصل تداوم حوزه حله است و آثار و متون اصلی که در مراکز مختلف جبل عامل تدریس می‌شده است یا مورد حاشیه یا شرح عالمان قرار می‌گرفته است، متون نگاشته شده در حوزه حله، خاصه آثار محقق حلی بوده است. نسخه‌های خطی بیشماری از آثار مکتب حله و دو چهره سرآمد و سرشناس آن یعنی محقق حلی و علامه حلی در دست است که عالمان جبل عاملی آنها را کتابت کرده‌اند. حاشیه نویسی بودن بیشتر این نسخه علاوه بر شواهد دیگری که در اجازات مختلف باقی مانده از این دوران، به وضوح نشانگر آن است که آثار علامه و محقق حلی مدار تعلیم، بحث و تدریس در مراکز علمی شیعه در این روزگار بوده است. با این حال نباید نقش حوزه جبل عامل را تنها انتقال یا نگهداری میراث مکتب حله دانست^{۱۱۶}، در قرن دهم برخی از عالمان برجسته عاملی همچون محقق کرکی و شهید ثانی شروع مهمی بر برخی از آثار محقق حلی نگاشته‌اند که مورد توجه فراوان قرار گرفته‌اند که برخی از این شروح اهمیت بیشتری نسبت به اصل متن یافته‌اند، چرا سوای احتوا بر متن، همراه با حاشیه‌های توضیحی بوده‌اند که به متن وضوح بیشتری می‌بخشیده است. موضوعی که باید جدا از آن سخن گفت. مکتب جبل عامل گرچه به دلایلی از جمله پراکندگی شیعیان در آنجا و نداشتن قدرت سیاسی، قدرت عمل چندانی نداشت، اما از حیث علمی، زمینه مناسبی برای تقویت و تکمیل ساخت علمی مرجعیت شیعه فراهم کرد. همانگونه که در آغاز رساله نیز گفته شد، تحولات مرجعیت شیعه، در حقیقت بخشی از تحول اندیشه سیاسی شیعه محسوب می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در معرفی حوزه جبل عامل از کتاب *جبل عامل بین الشهدیین و الگو آرایه شده توسط جعفر مهاجر بهره فراوانی برده‌ام و اساس تقسیم بندی را از ایشان الگو گرفته‌ام*. تحریر مختصری نیز از این مباحث در ضمن مدخل حوزه *دانشنامه جهان اسلام* و در ذیل بحث از حوزه جبل عامل آمده است. همچنین لازم است تا اشاره کنم که مقاله حاضر بخشی از رساله بنده به راهنمایی استاد بزرگوار دکتر سید هاشم آقاچری و مشاوره استادان محترم دکتر صادق آئینه‌وند و دکتر حسین مفتخری در دانشگاه تربیت مدرس است. درباره حوزه جبل عامل همچنین بنگرید به: ستار عودی، «جبل عامل»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۹، ص ۶۱۵-۶۲۲؛ Rula Abisaab, "Shiite Beginnings and Scholarstic Tradition in Jabal Amil in Lebanon," *The Muslim World*, Vol.LXXXIX, no,1 (1999), pp.1-21.
۲. برای شرح احوال افراد مذکور بنگرید به: جعفر مهاجر، *جبل عامل بین الشهدیین*، ص ۶۷-۷۶.
۳. موسی بن محمد یونینی، *ذیل مرآة الزمان*، ج ۳، ص ۴۳۴-۴۴۰؛ ابن عجمی حلبی، *کنوز الذهب*، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۵.
۴. شمس‌الدین ذهبی (متوفی ۷۴۸) گزارش این ماجرا را به نقل از یکی از شاهدان عینی ماجرا به نام ابوالفضل ابن نحاس اسدی آورده است. بنگرید به: همو، *تاریخ الاسلام و وقیات المشاهیر و الأعلام*، ج ۱۵، ص ۳۸۱-۳۸۲. گزارش دیگر این ماجرا را سبط ابن عجمی حلبی (متوفی ۸۸۴) به نقل از قطب‌الدین موسی بن محمد یونینی (متوفی ۷۲۶) و کتاب *مرآة الزمان* او نقل کرده است. بنگرید به: سبط ابن العجمی حلبی، *کنوز الذهب فی تاریخ حلب*، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۳. برای شرح حال نجیب‌الدین همچنین بنگرید به: آقا بزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشیعة: الأنوار الساطعة فی المائة السابعة*، ص ۱۳۵؛ سید عبدالعزیز الطباطبائی، *معجم اعلام الشیعة*، ص ۴۶۶-۴۶۷.
۵. متن این قصیده را موسی بن محمد یونینی (متوفی ۷۲۶) در *ذیل مرآة الزمان*، ج ۳، ص ۴۳۴ آورده است. ذهبی (*تاریخ الاسلام*، ج ۱۵، ص ۳۸۲) بی‌تی و بخشی از آن را سبط ابن عجمی (*کنوز الذهب*، ج ۱، ص ۳۶۴) آورده‌اند.
۶. برای شرح حال وی بنگرید به: صلاح‌الدین خلیل بن آیبک صفدی، *الوافی*، ج ۶، ص ۷۹-۸۳؛ همو، *أعیان العصر و أعوان النصر*، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۱۰؛ سید عبدالعزیز طباطبائی، *معجم اعلام الشیعة*، ص ۱۹-۲۲؛ جعفر مهاجر، *جبل عامل بین الشهدیین*، ص ۷۸-۸۹.
۷. خلیل بن آیبک صفدی، *الوافی بالوقیات*، ج ۶، ص ۷۹. درباره ضبط نام جمال‌الدین بن حسام به بخاری کمی تردید است. شاید صورت نام وی نجاری باشد. در هر حال اگر بخاری بودن به معنی آن است که وی اهل بخارا بوده باشد، جای تأمل دارد.
۸. متأسفانه در میان اجازات باقی مانده از علامه حلی، نامی از جمال‌الدین دیده نمی‌شود. در حقیقت بسیاری از شاگردان علامه حلی که نام برخی از آنها نیز شناخته شده است، در دست است اما درباره اجازات آنها و یا فعالیت‌های بعدی آنها اطلاعی در دست نیست، این مطلب خاصه درباره شاگردان غیر ایرانی علامه حلی تقریباً صادق است در حالی که دست کم در خصوص برخی شاگردان ایرانی او انهاءات و یا اجازاتی که علامه پس از قرائت آثارش توسط

- آنها بر او می‌داده، در دست و برخی از آنها نیز منتشر شده است. از دیگر شاگردان عاملی که نزد علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین تحصیل نموده، می‌توان به تقی‌الدین ابراهیم بن حسین بن علی عاملی اشاره کرد که شرح حال مختصری از او را آقابزرگ (طبقات اعلام الشیعه: الحائق الراهنه فی المائة الثامنة، ص ۲) آورده است. برای برخی از اجازات و انهاءات قرائت آثار علامه حلی نزد وی بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، «اجازات علامه حلی»، میراث حدیث شیعه، ج ۹، ص ۵۱۱-۵۳۱.
۹. خلیل بن آیبک صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۸۰-۸۳.
۱۰. برای قصیده او بنگرید به: خلیل بن آیبک صفدی، همان، ج ۶، ص ۸۲-۸۳.
۱۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۶، ص ۲۰. اجازهای از شمس‌الدین محمد بن احمد ابن صالح قسینی به طومان بن احمد مناری در دست شیخ حسن صاحب معالم بوده و بخشهایی از آن را در ضمن اجازه کبیره خود نقل کرده است. قسینی پس از آنکه مناری نزد او کتاب‌های النهایه، استبصار و المبسوط شیخ طوسی را خوانده، اجازه گرفته است. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۶، ص ۲۱. همچنین بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه: الحقائق الراهنه فی المائة الثامنة، ص ۱۰۲-۱۰۳.
۱۲. نسخه‌ای از کتاب شرائع الاسلام محقق حلی در کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی وجود دارد که در سده هشتم کتابت شده است. نکته جالب توجه آن است که عالمی به نام حسن بن یوسف مناری انتهائی در پایان جزء اول کتاب به تاریخ روز دوشنبه ۱۸ ذی القعدة ۷۵۴ بر آن نگاشته است. مطلب اخیر شاهی است بر وجود عالمان جبل عاملی دیگری که در این دوران فعالیت داشته‌اند. درباره حسن بن یوسف مناری اطلاعی در دست نیست اما این انهاء نشانگر آن است که شخصی نزد مناری، شرائع را به درس می‌خوانده است و مناری در انهاء خود گفته که کتاب در مجالس مختلفی نزد او خوانده شده است و تاریخ مذکور آخرین مجلس است. یک رسم متداول آن بوده که تنها برخی از کتاب را نزد عالمی می‌خواندند و با روشن شدن توان فرد، اجازه‌ای به او داده می‌شده است. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه آیت‌الله العظمی بروجردی (نجف اشرف - عراق)، ج ۲، ص ۲۶-۲۸.
۱۳. شاهی بر این ادعا نسخه‌ای از اربعین شهید اول است که در اختیار بحرانی بوده و او در کشکول خود توصیفی از آن ارائه کرده است. بحرانی در آخر نسخه‌ای که دیده اشاره کرده که در آن یادداشتی بوده دال بر اینکه روایات موجود در اربعین را ابن فهد به روایت از ضیاء‌الدین ابوالحسن علی فرزند شهید اول در روستای جزین و در یازدهم محرم سال ۸۲۴ سماع کرده و اجازه روایت آنها و دیگر آثار شهید اول و دیگر تألیفات اصحاب را دریافت کرده است. بحرانی، الکشکول، ج ۱، ص ۳۰۴. عبارت به وضوح دلالت بر این دارد که ضیاء‌الدین علی در جزین سکونت داشته است و ابن فهد پس از طی مراحل تحصیلات خود در حله در میان سالی به جزین سفر کرده است.
۱۴. جعفر مهاجر، جبل عامل بین الشهیدین، ص ۱۵۶-۱۵۹.

۱۵. افندی شرح حال کوتاهی از ابن مؤذن آورده است و از دیدن مجموعه‌ای خطی که وی کتابت کرده، سخن گفته و فهرستی از محتویات آن را گزارش کرده هر چند متأسفانه درباره زمان و یا محل کتابت نسخه اطلاعی به دست نداده است. گفته افندی که در اینکه ابن مؤذن از ابن عشره کرکی نقل روایت کرده باشد، محل تردید است، نادرست است، چرا که ابن مؤذن به صراحت در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی از ابن عشره به عنوان استاد خود نام برده است. مشخص است که وی در زمان شهادت شهید، کودکی خردسال بوده است. گفته افندی که بر اساس برخی مسموعات وی نیای مادری شیخ بهایی، مطلب جالب توجهی است و شاهدی دیگر بر روابط خویشاوندی میان عالمان جبل عامل است که البته در گروه‌های اقلیت این گونه روابط بسیار عادی و طبیعی است. بنگرید به: عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۵، ص ۱۷۵.
۱۶. محقق کرکی که خود از شاگردان ابن مؤذن بوده است، در اجازه خود به حسین بن محمد استرآبادی، به شاگردی ابن مؤذن نزد علی بن طی اشاره کرده است. بنگرید به: محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۵۰.
۱۷. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۳۷.
۱۸. محمد بن حسن حر عاملی، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۴۵.
۱۹. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۷، ص ۶۹.
۲۰. طهرانی، *طبقات أعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع*، ص ۲۳.
۲۱. عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۲، ص ۶۰. فرزند او حسین بن علی بن حسام انهاء قرائتی از کتاب *البیان شهید اول* را به ملا خضر بن حافظ علی که از کتابت نسخه *البیان* در ۲۰ ربیع الاول ۸۸۹ فراغت حاصل کرده، داده است. متن این اجازه چنین است: «أنهـاء – أیده الله – قراءة و فهماً و شرحاً – وقفه الله و إیانا لمراضیه، و أعانه و إیانا علی إمتثال أوامره و الانزجار عن نواهیه – فی عدة مجالس آخرها نهار الجمعة رابع ربیع الآخر سنة تسع و ثمانین و ثمانمئة هجرية – علی مشرفها ... – و كتب أقر عبدالله تعالی حسین بن علی بن حسام حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً». بنگرید به: رضا مختاری، *الشهید الاول: حیاته و آثاره*، ص ۳۰۹. از برادر وی محمد بن علی بن حسام نیز آگاهی چندی در دست است. از وی اجازه و مقابله‌ای از کتاب *قواعد الاحکام* علامه حلی به تاریخ دوشنبه آخر ربیع الثانی ۸۶۴ به جهت شیخ عزالدین حسین بن محسن در دست است که در انتهای نسخه ۱۱۶۳ قواعد در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است. بنگرید به: سید احمد حسینی، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی*، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸.
۲۲. محمد بن حسن حر عاملی، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۳۴؛ محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۷، ص ۳۹؛ عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء*، ج ۱، ص ۴۷.
۲۳. آقازرگ طهرانی، *طبقات أعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع*، ص ۲۳.
۲۴. محمد بن حسن حر عاملی، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۱۳۷؛ محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*،

- ج ۱۰۵، ص ۳۸، ۵۳. وی که نام کاملش محمد بن احمد بن محمد بن یعقوب صهبونی است، در روستای عینانا سکونت داشته است. وی در روز یکشنبه هفتم ذی الحجه ۸۷۴ از کتابت نسخه‌ای از کتاب *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد فخر المحققین* فراغت حاصل کرده است. بنگرید به: سید احمد حسینی، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله العالی*، ج ۷، ص ۱۸۹. در سال بعد و در ۱۷ صفر ۸۴۸ نیز نسخه‌ای دیگر از همان کتاب را کتابت کرده است (مصطفی درایتی، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران*، ج ۲، ص ۳۳۷). همچنین وی در ۸۷۹ اجازته‌ای به علی بن عبدالعالی می‌سی داده که بخشی از آن در دست است. بنگرید به: محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۳۸-۳۹. بر اساس همین بخش نقل شده وی به احتمال قوی تنها در جبل عامل و نزد فقیهان آنجا تحصیل کرده باشد.
۲۵. محمد بن حسن حر عاملی، *أمل الأمل*، ج ۱، ص ۳۴؛ محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۲۰-۲۱.
۲۶. عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۵، ص ۲۳۵.
۲۷. محمد بن حسن حر عاملی، *أمل الأمل*، ج ۱، ص ۱۸۷.
۲۸. درباره خاندان ابن خاتون بنگرید به: جعفر مهاجر، *جبل عامل بین الشہیدین*، ص ۱۶۸-۱۶۹.
۲۹. محمد بن حسن حر عاملی، *أمل الأمل*، ج ۱، ص ۳۳.
۳۰. برای اجازته ابن خاتون به کرکی بنگرید به: محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۲۰-۲۷.
۳۱. محمد بن حسن حر عاملی، *أمل الأمل*، ج ۱، ص ۳۵.
۳۲. برای متن اجازته‌ها بنگرید به: محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۶، ص ۸۸-۹۶.
۳۳. نسخه‌ای از کتاب *البیان شهید اول* در دست است که علی بن هلال که از کتابت آن در روز یکشنبه ۲۸ ربیع الاول ۹۳۱ فراغت حاصل کرده و تاریخ اتمام مقابله نیز روز دوشنبه ۲۶ جمادی الثانی ۹۳۲ ذکر شده است. این نسخه به شماره ۱۸۰۰ در دانشگاه تهران نگه‌داری می‌شود. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، ج ۸، ص ۳۷۲. همچنین در همان کتابخانه به شماره ۱۸۳۲ نسخه‌ای از کتاب *الدروس الشرعیة شهید اول* موجود است که علی بن محمد بن مرتضی حسینی استرآبادی که جزو یکم آن را در نیمه روز جمعه ۱۰ ربیع الثانی ۹۲۱ و جزء آخر آن را در جمعه ۱۶ جمادی الاولی ۹۲۱ به پایان رسانده موجود است که حواشی از شیخ علی کبیر با علامت «ع ل» دارد و مهر علی بن هلال کرکی و یادداشتی از او بر نسخه موجود است. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، همان، ج ۸، ص ۴۲۹.
۳۴. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۶، ص ۸۱.
۳۵. قاضی شرف‌الدین قمی، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، ص ۶۱۴؛ اسکندر بیگ منشی، *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج ۱، ص ۱۵۴، ۱۵۶.
۳۶. در انتهای این نسخه که علی بن محمد بن حسن عاملی کتابت آن را در ۲۸ صفر ۸۴۳ به

- اتمام رسانده است، ابن خاتون چنین نگاشته است: «أنهاه - أیده الله - قراءةً و بحثاً و فهماً - وفقه الله و إيانا لمراضیه، و أعانه و إيانا علی اجتناب معصيته و الانزجار عن نواهیہ - فی عدة مجالس آخرها يوم الأحد ثاني عشری ذی قعدة من شهر سنة سبع و تسعمائة هجرية نبوية - علی مشرفها الصلاة و السلام - و كتب ذلك أقفر عباد الله و أحوجهم إلی عفوه أحمد بن محمد بن علی بن خاتون حامداً مصلیاً مسلماً مستغراً». این نسخه که رساله دوم مجموعه ۶۷ است در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که در فهرست آن (فهرست نسخه های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱، ص ۷۸، ۸۰ معرفی شده است). بنگرید به: رضا مختاری، *الشهید الاول: حياته و آثاره*، ص ۳۰۸-۳۰۹.
۳۷. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۲۰-۲۷. برای بحثی از خاندان ابن خاتون بنگرید به: جعفر المهاجر، *جبل عامل بین الشہیدین*، ص ۱۷۰-۱۷۵.
۳۸. وی نسخه ای کهن از کتاب *کفایة الاثر خزاز قمی* را در اختیار داشته و در انتهای آن نوشته است: «تشرف بمطالعة هذا الكتاب هو کتاب النصوص علی عدد الأئمة الاثني عشر صلوات الله عليهم فقیر عفو الله نعمة الله بن أحمد بن خاتون العاملي و ذلك في أواسط شهر جمادى الآخرة سنة سبعين و تسعمائة من الهجرة الفاخرة صلوات الله و سلامه علی مشرفها و آله الأكرمين حامداً مصلیاً». این نسخه که یادداشت فوق بر آن بوده، را مرحوم سید محسن امین در کتاب *معادن الجواهر و نزہة الخواطر*، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۱۰ معرفی کرده است. همچنین بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «پاره های نسخه شناسی»، *پیام بهارستان*، دوره دوم، سال اول، شماره ۴ (تابستان ۱۳۸۸ش)، ص ۳۲۰-۳۲۲.
۳۹. نیای وی احمد بن خاتون عینائی عاملی از شاگردان علی بن هلال جزائری عالم ساکن در جبل عامل و احتمالاً روستای کرک نوح بوده است. شیخ علی بن هلال منشار کرکی (متوفی ۹۸۴) در اجازه خود به مولانا ملک محمد بن سلطان حسین اصفهانی به این مطلب اشاره کرده است. بنگرید به: محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۶، ص ۸۱.
۴۰. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*، ج ۱۰۶، ص ۸۸-۹۶.
۴۱. حسین بن عبدالله تستری در ۹۸۸ بعد از سفر حج به عینا، در جبل عامل، رفت و از عالم امامی آنجا، سید نعمت الله بن خاتون عاملی (متوفی بعد از ۹۸۸)، و پسر وی، احمد بن نعمت الله عاملی (متوفی ۱۰۰۲)، اجازه روایت کتب حدیث دریافت کرد تستری تا ۱۰۰۴ در کربلا اقامت داشت و در آن سال در حالت خوف راهی ایران شد. گویا علت مهاجرت وی تزییقات مقامات عثمانی بوده که در این تاریخ بر کربلا تسلط یافته بودند. محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰) که خود از شاگردان تستری بوده، از اقامت چهارده ساله وی در اصفهان سخن گفته است (همو، *روضه المتقین*، ج ۱۴، ص ۳۸۲). بر این اساس وی می بایست در حدود ۱۰۰۶ به ایران آمده باشد. افندی (*ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۳، ص ۱۹۵) از مهاجرت تستری به مشهد خبر داده و علت آن را خوف وی از شاه عباس اول (حکومت: ۹۹۶-۱۰۳۸) بیان کرده، ولی منشأ خوف را ذکر نکرده است، تستری در مشهد ماند تا آنکه در سفر شاه عباس به مشهد در ۱۰۰۹، شاه با وی دیدار و از او دلجویی و درخواست کرد تا

به اصفهان باز گردد. تستری ضمن قبول این دعوت، شاه عباس را به ساختن مدرسه‌ای تشویق کرد. مدرسه عباسی و مدرسه‌ای که فقیه معاصر تستری، شیخ لطف‌الله میسی عاملی، در آن تدریس می‌کرد، در پی این توصیه ساخته شد. همچنین گفته اند که موقوفات شاه عباس در ۱۰۱۵ به نام چهارده معصوم به توصیه تستری بوده است، تستری پس از بازگشت به اصفهان تا پایان عمر در این شهر به سر برد و فقط به فعالیت‌های آموزشی پرداخت. بر اثر تلاش‌های علمی وی حوزه علمیه اصفهان رونق فراوان یافت. به نوشته محمدتقی مجلسی (همانجا) تعداد محصلان علوم دینی در زمان ورود تستری به اصفهان پنجاه تن بوده و هنگام وفات وی به هزار تن رسیده بود. به تصریح او انتشار فقه و حدیث در اصفهان مرهون مساعی تستری بود. زهد و تقوا و التزام جدی تستری به همه آداب شرع زیانزد بوده و گزارش‌های چندی در این باره نقل شده است (نفرشی، *تقدالرجال*، ج ۳، ص ۹۹). وی در ۲۶ محرم ۱۰۲۱ درگذشت (عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۳، ص ۲۰۳) و جمع کثیری نزدیک به صد هزار تن در تشییع جنازه وی حضور داشتند که تا آن زمان در اصفهان بی‌سابقه بوده است. وی آثار فقهی چندی نگاشته که از جمله آنها *جامع الفوائد فی تکملة جامع المقاصد القواعد اثری حجیم* و در هفت مجلد است که در چندین نسخه خطی از جمله آستان قدس ۲۰۸۸۳، ۱۳۴۱۸ که مشتمل بر بخشهایی از کتاب است، موجود است (برای گزارشی از این دو نسخه بنگرید به: براتعلی غلامی مقدم، *فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی*، ج ۲۰، ص ۱۰۵-۱۰۷). در مورد تستری همچنین بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «تستری، عبدالله بن حسین»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۷، ص ۳۰۲-۳۰۴.

۴۲. از آنجا که عالمان جبل عاملی از سوی مقامات عثمانی تحت فشار بوده‌اند، به صراحت از این مسئله یاد نکرده‌اند. عبارت مشابهی را شهید ثانی در پایان شرح *مسالك الافهام* و *الروضة البهیه* آورده است. عبارت مذکور در پایان شرح *لمعه (الروضة البهیه)* در متن چاپ شده (ج ۱۰، ص ۳۲۹) آمده است اما عبارت ذکر شده در مسالک در متن چاپی نیامده هر چند در برخی از نسخه‌های اساس تصحیح عبارتهایی دال بر دشواری‌های شهید از سوی مقامات عثمانی به نحو تلویحی آمده است. آقابزرگ تهرانی در *طبقات اعلام الشیعه: احياء الدائر من القرن العاشر*، ص ۱۱-۱۲، ۲۶۷-۲۶۸ شرح حال برخی از افراد خاندان ابن خاتون را آورده است.

۴۳. وجود چنین فشارهای همواره وجود داشته و انگیزه‌ای مهم برای مهاجرت عاملی به ایران بوده است. نمونه‌ای دیگر از این عالمان محمد بن علی بن احمد عاملی کرکی حرفوشی دمشقی معروف به شیخ محمد حریری (که لقب وی گاه به الحویزی نیز تصحیف شده) مشهورترین چهره علمی آل حرفوش است که کتابی به نام *التلائد السنیه علی القوائد الشهدیه* در شرح کتاب *قواعد شهید اول* نگاشته است (برای نسخه‌های این کتاب نک سید محمد علی روضاتی، *فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان* (اصفهان، ۱۳۴۱ ش/۱۳۸۲ق)، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۶۰؛ سید احمد حسینی، *فهرست کتب خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی*، ج ۷، ص

- ۲۷۵). شهرت او به حریری نیز به دلیل اشتغال وی به فروش حریر بوده که در دمشق به این کار مشغول بوده است. وی نزد سید نورالدین علی بن علی عاملی در مکه درس خوانده و از او اجازه روایت داشته است (شیخ حر، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۱۶۲؛ سید حسن صدر، *تکملة امل الآمل*، ج ۱، ص ۳۱۸) محبی (*خلاصة الاثر*، ج ۴، ص ۴۹-۵۴) گفته که وی در دمشق درس خوانده و در درس عمادی مفتی حاضر شد و عمادی به فضل او شهادت داد و از او تجلیل کرد تا اینکه مولی یوسف بن ابی الفتح فتحی، حرفوشی را به حضور در مجلس درس خود خواند. حرفوشی به دلیل مفید نبودن درس فتحی، از حضور در مجلس وی بعد از چند روز حضور، خودداری کرد. فتحی از سبب غیبت حرفوشی تحقیق کرد و به او گفتند، که وی این درس را با مقام خود متناسب نمی‌داند. فتحی خشمگین شد و به سعایت برخاست و نزد حکام دمشق شهادت به تشیع حرفوشی داد. حرفوشی بعد از این ماجرا مجبور به ترک دمشق و مهاجرت به ایران شد. در اصفهان شاه عباس مقدم وی را گرامی داشت. و تا هنگام وفات در ربیع الثانی ۱۰۵۹ در آنجا سکونت داشت (حر عاملی، همان، ج ۱، ص ۲۷-۲۸). شیخ حر ضمن اشاره به آشنایی با او در جبل عامل اشاره کرده که قصیده‌ای بلند در رثای مرگ او سروده است (شیخ حر، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۱۶۳). حرفوشی گفته که وی در یکی از مساجد شام با ابن ابی الدنیا معمر مغربی که نام وی علی بن عثمان بوده، ملاقات داشته و از او اجازه روایت گرفته است (مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۲۷۸-۲۷۹؛ صدر، *تکملة امل الآمل*، ج ۱، ص ۳۱۸). شیخ حر (*امل الآمل*، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۶) و افندی (ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۳۰-۱۳۱) نمونه‌ای از اشعار وی را نقل کرده‌اند. وی فرزندی به نام ابراهیم داشته که حرفوشی کتاب *الفلاذ* خود را به نام او نگاشته است. ابراهیم خود فردی عالم و فقیه بوده و نزد پدر و کسان دیگری درس خوانده و از عالمانی چون تاج‌الدین حسن اصفهانی پدر فاضل هندی اجازه نقل حدیث داشته است (صدر، همان، ج ۱، ص ۳۹). وی در سال ۱۰۸۰ در مشهد درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد (شیخ حر، همان، ج ۱، ص ۶؛ افندی، همان، ج ۱، ص ۲۸). شیخ حر (همان، ج ۱، ص ۶) اشاره کرده که در مراسم خاکسپاری وی حضور داشته است. نسخه‌های از اجازات علما امامیه که ابراهیم حرفوشی کتابت کرده، در اختیار مجلسی (*بحار الانوار*، ج ۱۰۴، ص ۱۷۷، ج ۱۰۵، ص ۶، ۲۷، ۶۸، ۱۱۵، ۱۲۳) بوده و آنها را در بخش اجازات *بحار الانوار* نقل کرده است.
۴۴. شرح حال همدانی در کتاب *سلافة العصر* آمده و افندی این شرح حال را به نقل از همان کتاب با عنوان فوائدی از کتاب *سلافة العصر*، به *بحار الانوار* (ج ۱۰۶، ص ۱۲۶-۱۲۸) افزوده است.
۴۵. محمد بن احمد در آغاز اجازه خود به اقامت در مکه به عنوان یکی از افتخارات زندگی خود که خداوند به او داده اشاره کرده اما به تاریخ مهاجرت خود اشاره‌ای نکرده است. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۶، ص ۱۰۲.
۴۶. أنیس فریحه، *معجم أسماء المدن و القرى اللبنانية*، ص ۱۴۵.
۴۷. شمس‌الدین محمد ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲۱، ص ۲۷۰-۲۷۱.

۴۸. سید محسن الامین، *اعیان الشیعة*، ج ۲، ص ۶۱۸.
۴۹. برای متن اجازه بنگرید به: عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء*، ج ۳، ص ۳۷۴-۳۷۵.
۵۰. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۴، ص ۲۸-۲۹.
۵۱. جعفر مهاجر، *جیل العامل بین الشہیدین*، ص ۱۷۷-۱۷۹.
۵۲. آقا بزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع*، ص ۳۶-۳۷، ۳۹.
۵۳. اجازه‌ای از ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد اسدی (۷۵۶-۸۴۱) به کسروانی در دست است. در این اجازه نام کامل کسروانی به صورت عزالدین ابوالمکارم حسن بن علی بن احمد ابن یوسف مشهور به ابن عشره عاملی کسروانی / کرکی ذکر شده است. یوسف بن احمد بحرانی (کشکول، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۸) متن این اجازه را نقل کرده است. نسخه‌ای از این رساله در ضمن مجموعه ۸۳۱، رساله چهارم (برگ‌های ۷پ - ۹ر) در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به تاریخ کتابت ۱۰۲۲ موجود است که معرفی از آن در *فهرست نسخه‌های خطی*، ج ۲۱، ص ۲۶۲ آمده است. نسخه‌ای دیگر از این اجازه در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی موجود است. همچنین بنگرید به: محمد رضا زادشوش، «راهنمای پژوهش درباره ابن فهد حلی»، نسخه پژوهی، دفتر سوم، ص ۳۴۴، ۳۹۷.
۵۴. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹-۲۱۰.
۵۵. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۴، همانجا.
۵۶. عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء*، ج ۱، ص ۲۶۴؛ محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۴، ص ۲۱۰.
۵۷. اطلاع مهمی درباره او در ضمن مجموعه جباعی آمده است. محمد بن علی جباعی درباره او نوشته است: «توفی إلى رحمة الله تعالى الشيخ الإمام العالم الفقيه شيخنا عزالدین حسن بن أحمد بن يوسف الشهير بابن العشرة الكسرواني قرء علي السيد حسن ابن نجم الدين و البشير محمد العريضي و الشيخ محمد بن عبدالعلي سنة اثنين و ستين و ثمان مائة رحمه الله و حشره مع أئمته و كان هذا الشيخ من العلماء العقلاء و أولاد المشايخ الأجلاء و حج كثيراً نحو أربعين حجة و كان له على الناس مبار و منافع، و مات بكرک نوح - عليه السلام - بعد أن حفر لنفسه قبراً و كان كثير الطهارة و يصلي النوافل و كثير الدعاء و قرأت عليه كثيراً رحمه الله».
- محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹-۲۱۰.
۵۸. عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء*، ج ۱، ص ۲۶۴.
۵۹. آقا بزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع*، ص ۱۱۷.
۶۰. آقابزرگ طهرانی، همان، ص ۴۸-۴۹.
۶۱. آقا بزرگ طهرانی، همان، ص ۱۳۱-۱۳۲.
۶۲. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹.
۶۳. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۵، ص ۳۶.
۶۴. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۳۸-۳۹. همچنین محقق کرکی در اجازه خود به حسین بن محمد استرآبادی (محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۵، ص ۵۳) به شاگردی

صهیونی نزد کسروانی اشاره کرده و طریق خود در نقل کتابهای ابن فهد را به واسطه او از کسروانی از ابن فهد ذکر کرده است.

۶۵. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۵، ص ۲۱. محقق کرکی همچنین در اجازه خود به شمس‌الدین محمد بن مکی نبای خاندان شیخ حر عاملی از علی بن هلال این گونه یاد کرده است: «أجلهم وأعلمهم وأحقهم بالذكر وأقدمهم شيخنا العلامة الفهامة الرئيس سلطان العلماء لسان المتكلمين والحكماء محيي دارس العلوم مر بنی ذوی الفضائل والفهوم رحلة الطالبین، رضی الحق والدين أبی جعفر علی بن هلال الجزایری لا زالت سحائب الرضوان تغلظ علی نفسه النفسیة مدى الدهر، وروایح علمه الشریف وفضله الباهر المنیف تفوح متعطرة حتی الحشر، عن شیخه الامام جمال‌الدین المذكور بلا واسطه. وهذا الطريق أجل ما يتسير فی هذا الزمان من الطرق وأجلی، فانا لم ندرك مجتهدا ولا مقلدا يروى عن مجتهد إلا ما كان من شيخنا المذكور رفع الله ذكره، فله المنة والحمد، حيث لم يتخلل الاسناد من ليس متصفا بهذه الصفة، فاذن هذا الطريق هو عدتنا فی جميع روايتنا بأصنافها فی جميع العلوم علی اختلافها».

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۵۵۵۴.

۶۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۷۰.

۶۷. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۴، ص ۲۱۰-۲۱۱. نسخه‌ای نفیس از کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام نوشته علامه حلی با حواشی از علی بن هلال جزائری به خط خودش در دست است. این شواهد جملگی نشانگر آن است که حوزه جبل عامل نقش مهمی در حفظ و انتقال میراث مکتب حله داشته است و آثار محقق و علامه از متون اصلی و محوری در تدریس فقه شیعه در جبل عامل بوده است. بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۵، ص ۹۹. همین گونه نسخه‌ای دیگر از کتاب قواعد الاحکام علامه حلی به شماره ۱۹۳۷ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است که در انتهای آن کاتبی با قلمی متفاوت درباره زمان تألیف کتاب قواعد الاحکام علامه حلی گفته است که: «فرغ مصنفه من تسویده لیلة رابع عشر ذی الحجة سنة تسع و تسعين و تسعمائة قدس الله روحه کذا نقلت من خط الشيخ حسين بن عبدالصمد علی قواعدده و هو ناقل من خط الشهيد محمد بن مکی علی قواعدده قدس الله ارواحهم و کتب ابراهیم بن علی عفی عنها». این عبارت نشانگر وجود نسخه‌ای از کتاب قواعد بوده که حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴) خود کتابت کرده است. این را نیز بیفزایم که در دیگر مراکز شیعی این دوران نیز آثار علامه و محقق حلی مدار بحث و تعلیم بوده است. به عنوان مثال نسخه‌ای کهن از کتاب قواعد الاحکام که در سلخ شوال سال ۸۱۴ کتابت شده مشتمل بر دو انهاء قرائت است که متن آنها چنین است: «انهاه الله تعالی و ادم فضائله قراءة و بحثاً و ضبطاً و فهماً و استشراحاً - وقفه الله تعالی و ايانا لا بتیاع مرضیه و انزجار ما یکرهه و مواهبه - و ذلك فی مجالس آخرها يوم الثلاثاء ثالث شهر ذی القعدة الحرام غمت عنا منه سنة اربع عشر و ثمان مائة الهجرية... و کتب علی بن الحسین بن محمد الاستربادی». در انهاء دوم چنین آمده است: «انهاه - ایده الله تعالی و ادم فضائله قراءة و بحثاً و ضبطاً و فهماً

و استشرافاً و فقه الله تعالی و ایانا لابتاع امراضیه و انزجار ما یکرهه و نواهیه و ذلک مجالس متعدده آخرها نهار اربعاً رابع ذی القعدة الحرام عمت میامنه من سنة اربع عشرة و ثمان مائة الهلال الهجرية و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و کتبه اضعف عباد الله تعالی محمد بن الحسین بن محمد الاستربادی احسن الله عواقفه بمحمد و آله اجمعین. این دو انهاء در انتهای جزء اول قواعد الاحکام به شماره ۱۸۸۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی آمده است که تصویری از آن در بخش تصاویر مجلد پنجم فهرست آن کتابخانه آمده است. دو انهاء دیگر نیز در انتهای کتاب باز به قلم محمد بن حسین بن محمد استربادی آمده است که به وضوح نشانگر آن است که متن کتاب به صورت درسی تدریس می‌شده است. تقریباً در اکثر نسخه‌های خطی آثار علامه و محقق حلی، نشانه‌های قرائت و انهاء‌هایی دال بر آن موجود است. از باب نمونه بنگرید به نسخه‌ای کهن از کتاب تحریر الاحکام شرعیه علامه حلی به شماره ۹۱۵ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی که تصویری از برگ آخر نسخه که چند انهاء قرائت بر آن درج شده است، در بخش تصاویر جلد سوم فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه آمده است.

۶۸. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۹.
۶۹. سید حسن صدر، تکملة امل الآمل، ج ۱، ص ۷۲.
۷۰. محمد بن حسن حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۵۶.
۷۱. ابن عودی، بقیة المرید، ج ۲، ص ۱۵۹.
۷۲. برای توصیفی کامل از محتوی این آثار بنگرید به: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۵۱؛ عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷.
۷۳. عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۶.
۷۴. شیخ حر عاملی (امل الآمل، ج ۱، ص ۵۶) تاریخ وفات وی را ۹۳۳ ذکر کرده است اما این تاریخ نادرست است و تاریخ صحیح درگذشت وی ششم رمضان ۹۳۶ است. هر چند در منابع به صراحت ذکر نشده است که آیا وی با محقق کرکی، کرک نوح را ترک کرده یا در نجف سکنی گزیده است اما با توجه به اینکه شهید ثانی تصریح کرده که نزد وی در کرک نوح از ذی الحجه سال ۹۳۳ تا پیش از جمادی الاولی سال ۹۳۴ که به جبع بازگشته، به تحصیل مشغول بوده است، می‌توان گفت که وی بر خلاف محقق کرکی در کرک نوح باقی مانده است. شهید ثانی در ادامه تاریخ درگذشت سید حسن کرکی را ۶ رمضان ۹۳۳ ذکر کرده است، که احتمالاً این خطا در اصل نسخه بقیة المرید رخ نداده باشد چرا که از طریق دیگر مصادر می‌دانیم که سید حسن کرکی در ۹۳۶ درگذشته است. برای شرح حال وی بنگرید به: محمد بن حسن حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۵۶-۵۷؛ عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۸؛ سید حسن صدر، تکملة امل الآمل، ج ۱، ص ۹۲. سید حسن صدر (همان، ج ۱، ص ۹۱-۹۲) سید فخرالدین حسن بن ایوب معروف به ابن نجم اعرجی حسینی اطراوی عاملی را نیای اعلائی سید حسن بن جعفر کرکی معرفی کرده است.

۷۵. با توجه به اطلاعات اندک و عدم ذکر بسیاری از جزئیات در کتاب‌های تراجم عصر صفویه، معلومات بسیار مفیدی از او می‌توان از انجامه‌های نسخه‌های خطی و فهرست نسخه‌های خطی درباره عالمان عصر صفویه به دست آورد هر چند نحوه فهرست نگاری به گونه‌ای نیست که تمام مطلوب مورخان را برآورده کند اما از طریق برخی اشارات و سرنخ‌ها می‌توان برای یافتن شرح حال و یا اطلاعاتی درباره عالمان امامی این دوره از این آثار بهره گرفت. به عنوان مثال در مسئله سفرهای زیارتی عالمان شیعی جبل عاملی به ایران در این دوره، بررسی نه کامل از برخی فهرست‌ها، به این اطلاعات برخورد نمودم. در کتابخانه آیت‌الله العظمی ملا زین العابدین گلپایگانی (متوفی ۱۲۸۹) در شهر گلپایگان، نسخه‌ای نفیس از کتاب *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب* علامه حسن بن یوسف حلی (متوفی ۷۲۶) است که شخصی به نام محی‌الدین بن حسین ابن ابی الحسن الحسینی العاملی آن را با نسخه‌ای که از روی نسخه اصل کتاب کتابت شده مقابله کرده است. تاریخ اتمام و فراغت از مقابله ۹۸۳ ذکر شده و از همه جالب تر گفته شده که این کار را مؤلف در مشهد الرضا به اتمام رسانده است. در میان سادات مشهور ساکن در جبل عامل، خاندان ابن ابی الحسن عاملی از سادات مشهور و عریق هستند که در قرن دهم مشهورترین فرد این خاندان شخصی است به نام حسین بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن ابی الحسن حسینی موسوی جبعی که در روستا جبع سکونت دارند. شهید ثانی با دختر او ازدواج کرده است. بر این اساس اطلاع فوق اهمیت فراوانی دارد و نشان می‌دهد که شخص اخیر، فرزندی به نام محیی‌الدین داشته است که در سال ۹۸۳ برای زیارت امام رضا - علیه السلام - همانند بسیاری از فقها عاملی به ایران سفر کرده هر چند درباره اینکه وی در ایران اقامت گزیده یا باز به جبل عامل بازگشته، به درستی نمی‌توان سخن گفت. این مطلب که وی نسخه‌ای از کتاب فقهی مهم علامه حلی یعنی *منتهی المطلب* را کتابت و سپس با نسخه‌ای که از روی نسخه اصل نگاشته شده بود، مقابله کرده، نشان می‌دهد که وی تنها کاتبی ساده نبوده و خود فرد عالمی بوده است (برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های گلپایگان (گلپایگان - ایران)*، ص ۴۴). همچنین اطلاع مهمی درباره یکی دیگر از عالمان عاملی زین‌الدین بن محسن بن حسین بن محمد عاملی در دست است که نگارنده کتاب *ایضاح البیان فی تحقیق الایمان* است که تا مدتها با عنوان *حقائق الایمان* و اثری منسوب به زین‌الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) شناخته شده بود و تنها با یافتن شدن نسخه‌ای از کتاب در بنیاد فارس شناسی هویت اصلی اثر شناخته شد. نکته‌ای که به بحث ما مربوط می‌گردد این است که شخصی به نام علی بن محمد بن احمد بن ابراهیم جباعی که فردی عاملی است در مشهد مقدس و به تاریخ ۲۲ صفر ۹۸۴ از تعلیقه نویسی بر این نسخه فراغت حاصل کرده است و نزد مؤلف خوانده است (برای توصیف این نسخه بنگرید به: محمد برکت، *فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس شناسی*، ص ۱۳۳-۱۳۴). یکی از شاگردان شهید ثانی به نام محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین میسی عاملی در ۹۵۳ - ۹۵۴ در مشهد اقامت داشته و در آنجا چهار رساله از آثار شهید ثانی را

کتابت کرده است. در شرح حال این عالم عاملی اشاره‌ای دال بر مهاجرت یا اقامت وی در ایران نیست اما وجود این مجموعه خطی (که به شماره ۲۶۱۶ عربی در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود) شاهد قاطعی از اقامت یک ساله وی در شهر مشهد است (حبیب‌الله عظیمی، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۳، ص ۲۹-۳۱ نسخه در اصل متعلق به کتابخانه صاحب روضات بوده است). برای شرح حال وی بنگرید به: میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمدحسینی (قم، مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۱)، ج ۵، ص ۲۰۶؛ سید حسن صدر، تکملة امل الامل، ج ۱، ص ۳۶۶. برای نام برخی از عالمان عاملی که از سفر آنها به مشهد در منابع سخنی رفته است بنگرید به: محمد بن حسن حر عاملی، ج ۱، ص ۶۵-۶۶، ۶۹.

۷۶. اسکندر بیگ منشی (تاریخ عالم آرا، ج ۱، ص ۱۴۵) در اشاره به میر حسین مجتهد می‌نویسد: «میر سید حسین الحسینی جبل عاملی: دخترزاده خاتم المجتهدین، شیخ علی عبدالعالی. در زمان حضرت شاه جنت مکان (مقصود شاه طهماسب) از جبل عامل آمده، مدتی در دارالارشاد اردبیل به تدریس و شیخ الاسلامی و قطع و فصل مهم شرعیه قیام داشت. بعد از آن به درگاه معلی (مقصود قزوین) آمده، دعوی اجتهاد می‌نمود و منظور نظر حضرت شاه جنت مکان گردید.

صاحب نفس و فطرت عالی و طبع کامل و حافظه عالی عظیم بود، گاهی متوجه فیصل قضایای شرعیه اردوی معلی بوده، جمعی کثیر همه روزه به محکمه علیه‌اش رجوع می‌نمودند و در اسانید شرعیه، کتاب و نایبان محکمه، حسب الفرموده جناب میر، توقیع او را سید المحققین و سند المدققین، وارث علوم الانبیاء و المرسلین، خاتم المجتهدین مرقوم می‌ساختند، اگر چه علماء در این باب سخن داشتند و غایبانه اذعان می‌نمودند، اما هیچیک از فحول علماء در معرض این گفتگو نتوانستند درآمد.

به غایت فصیح‌البیان و ملیح‌اللسان بود. در خدمت حضرت شاه جنت مکان هر عقده که هیچ یک از ارکان دولت، حتی شاهزادگان علی منزلت، گشاد نمی‌توانستند داد، به جناب میرتوسل جسته. ملتزمات او در خدمت آن حضرت به اجابت مقرون بود و امداد او به خلق‌الله خصوصاً گرفتاران حادثه روزگار بسیار می‌رسید. تصانیف بسیار در فقه و حقیقت مذهب اثنی عشریه و رد مذاهب مبتدعه دارد.»

مسئله مهم درباره میرحسین کرکی این است که وی در چه تاریخی به ایران مهاجرت کرده و آیا، همانگونه که اسکندر بیگ می‌گوید، او از جبل عامل مستقیماً به ایران آمده یا نخست در عراق و نجف سکونت داشته و بعدها به ایران سفر کرده است. دیگر آنکه وی تا چه هنگام در اردبیل سکونت داشته و در چه زمانی به قزوین آمده است. اهمیت این پرسش‌ها در این است که برای فهم برخی از تحولات دوره شاه طهماسب و مناظرات در ساختار دینی روحانیت شیعی عصر صفویه، خصوصاً درباره شیخ الاسلام قزوین، اهمیت فراوانی دارد. همانگونه که دیده شد، عبارت اسکندر بیگ منشی دلالتی روشن بر زمان آمدن میرحسین کرکی به قزوین ندارد. لاجرم برای پاسخ دادن به این پرسش باید به سراغ نسخه‌های خطی و

مدارک دیگر موجود رفت و به کمک آنها حدود زمانی اقامت میرحسین کرکی در اردبیل و پاسخ دیگر پرسش‌ها را تعیین نمود. در فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی - نور الله مرقده - در جلد چهاردهم، نسخه‌ای به شماره ۵۲۲۱ وجود دارد که بسیار ارزشمند است. و تحصیل المراد مما استصعبت من عبارات الارشاد نام دارد و به زبان عربی است و متأسفانه مؤلف آن نشناخته است. استاد ارجمند جناب حجت‌الاسلام سیداحمد اشکوری - دام عزه - در معرفی این نسخه چنین نوشته‌اند: مؤلف در ماه ربیع الاول ۹۷۳ در اثر فقر و تنگدستی به اردبیل رفت و در آنجا با عالمی بزرگ به نام سید حسین بن حسن حسینی اردبیلی آشنا شد و از وی مسائلی بسیار در فقه سؤال کرد که آنها را به صورت حاشیه و شرح بر ارشاد الازدهان علامه حلی در این کتاب تدوین کرده است (همو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱۴، ص ۴۶). فرد مذکور یعنی عالم بزرگواری که در اردبیل ساکن بوده کسی نیست جز میرحسین کرکی که به دلیل سکونت در اردبیل به اردبیلی شهرت یافته بود. در هر حال، این اطلاع دلالت بر این مطلب دارد که وی تا این سال - یعنی از زمان ورود به ایران تا دست کم سال ۹۷۳- در اردبیل سکونت داشته است. اطلاع مهم دیگر درباره اقامت میرحسین کرکی در اردبیل گزارشی است درباره قتل اولاد القاص میرزا که در سال ۹۷۵ کشته شده بودند و جنازه‌هایشان آنها برای دفن به اردبیل فرستاده شده بود. در بخشی از این گزارش مهم، که مؤلف خلاصه‌التواریخ (ج ۱، ص ۵۵۵) آورده، از میرحسین کرکی با عبارت «حضرت سید المحققین، عمدة المجتهدین، شیخ الاسلام و مطاع المؤمنین، میرسیدحسین که در آن اوان شیخ الاسلام اردبیل بودند، نقل نموده ...». افندی که به تفصیل از میرحسین کرکی سخن گفته است، در جایی از شرح حال وی می‌نویسد که:

«... و قد سكن قزوین برهة من الزمان ثم جاء الی أردبیل بأمر السلطان و صار شیخ الاسلام بها و كان فیها الی أن مات بها» (همو، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۶۵). تردیدی ندارم که در اینجا خطایی رخ داده و عبارت درست این است «و قد سكن اردبیل برهة من الزمان ثم جاء الی قزوین»، چرا که اولاً می‌دانیم کرکی به اردبیلی شهرت داشته و شواهد مختلفی در تأیید این مطلب در دست است که وی در هنگام ورود به ایران در اردبیل سکونت داشته است. به عنوان مثال افندی (ج ۲، ص ۶۶)، که رساله‌ای از اللمعة فی أمر الصلاة الجمعة نوشته کرکی را دیده، گفته که او این رساله را در سال ۹۶۶ و در هنگام اقامت در شهر اردبیل تألیف کرده است. از سوی دیگر، در ادامه خبر گفته شده که وی به دستور سلطان از اقامتگاه خود سفر کرد و در شهری که اقامت گزیده بود، تا آخر عمر مانده و شیخ الاسلام آنجا بوده است و در طاعونی که در سال ۱۰۰۱ در قزوین رخ داد درگذشته است (افندی، ج ۲، ص ۶۸-۶۹). تمام شواهد تاریخی دلالت بر این دارند که وی در قزوین درگذشته و در بخشی از دوران شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم تا روزگار شاه عباس اول شیخ الاسلام در قزوین بوده و آنجا اقامت داشته است. گفته افندی در اینکه وی به دستور شاه طهماسب به قزوین آمده و شیخ‌الاسلام در آنجا گردیده مطلب بسیار مهمی است. سندی که نخستین تاریخ حضور وی در ایران، را نشان می‌دهد انجامه نسخه‌ای است از کتاب دفع

المناواة عن التفصيل و المساواة که کرکی آن را در چهارم ربیع الاول سال ۹۵۸ نگاشته و برخی از نسخه‌های آن را که افندی (ج ۲، ص ۶۷) دیده، به خان احمد گیلانی تقدیم کرده است. متأسفانه تنها بخشی از این کتاب منتشر شده است و لازم است متن کامل آن منتشر شود. باید اشاره نمود که نسخه‌ای نفیس از این کتاب و ترجمه فارسی آن در کتابخانه مجلس و نسخه دیگری در کتابخانه دانشگاه تهران (مجموعه مشکات، شماره ۱۶۸۵) موجود است (برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکات به کتابخانه دانشگاه تهران، جلد سوم، بخش چهارم، ص ۲۲۲۲-۲۲۲۴). در کتاب *قم‌نامه* که استاد محترم سید حسین مدرسی طباطبائی سالها قبل در قم (۱۳۶۴ش) منتشر کرده‌اند، رساله‌ای است با عنوان *کتابچه طوائف و ایلات دارالایمان قم* که برگرفته از مجموعه نگاشته شده در عصر ناصرالدین شاه قاجار و در میان سالهای ۱۲۹۵-۱۲۹۶ است. نکته جالب توجه در این رساله، گزارش نویسنده آن از سادات ساکن در شهر قم است. در معرفی سادات حسینی ساکن در شهر قم، نگارنده رساله اشاره کرده که سادات حسینی متصدی منصب متولی باشی حرم هستند و جد اعلای ایشان میرزا سید حسین از اهل جبل عامل بوده و از فقهای عصر و فضیلتی دهر. نویسنده در ادامه اشاره کرده که میرزا سید حسین در زمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی به عزم زیارت حضرت رضا علیه التحیه و الثناء وارد ایران شدند به اتفاق پنج پسر رشید. ظاهراً نویسنده این گزارش، اطلاعات خود را از یکی از سادات حسینی شهر قم اخذ کرده باشد. عجالتاً می‌دانیم که پدر میر حسین کرکی، سید حسن بن جعفر کرکی در زمان شاه اسماعیل اول بنا بر خبری که در کتاب *خلاصه‌التواریخ* (ج ۱، ص ۷۵) آمده به ایران سفر کرده است و البته در آن هنگام میر حسین کرکی نباید سن چندانی داشته آیا عبارت در اصل میرزا سید حسن (به جای حسین) از اهل جبل عامل در این عبارت نبوده است؟ اطلاعات خوب و مفیدی درباره نوادگان میر حسین کرکی که عهده دار تولیت حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها در دوره صفویه بوده‌اند را استاد ارجمند مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه در *فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم* (ص ۸۰-۸۱) نام آنها را به واسطه از طومار خانوادگی میرزا سید حسین متولی باشی آورده‌اند.

۷۷. عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۲، ص ۶۳.

۷۸. فریحه درباره ریشه نام میس، آن را برگرفته از میاسه دانسته و گفته که دو احتمال درباره ریشه این نام وجود دارد. نخست آنکه برگرفته از نام درخت میس که با نام علمی *Celtis australis* شناخته می‌شود باشد یا آنکه از مرکب از ترکیب دو نام سریانی باشد که به معنی آب شفا دهنده یا آب پزشک (ماء الطیب) باشد. احتمالاً فرض دوم به صحت نزدیک تر باشد. بنگرید به: انیس فریحه، *معجم أسماء المدن و القرى اللبانیة*، ص ۱۷۷، ۱۷۸.

۷۹. عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۴، ص ۱۱۶. نسخه‌ای از کتاب *جامع المقاصد* محقق کرکی در دست است که ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی، فرزند میسی از کتابت آن در سال ۹۳۴ فراغت حاصل کرده است. این نسخه بعدها در اختیار شیخ

- لطف الله میسی بوده و او حواشی بر نسخه نگاشته است. توصیفی از این نسخه در جلد اول جامع المقاصد، مقدمه التحقيق، ص ۵۱ آمده است.
۸۰. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۵، ص ۳۵-۳۸. شهید ثانی در اجازه خود به حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی اشاره کرده شیخ میسی در روایت محمد بن محمد بن داود مشهور به ابن مؤذن جزینی بوده است. میسی همچنین شوهر خاله شهید ثانی و پدر نخستین همسر او بوده است. شهید ثانی از میسی با عبارت «شیخنا الامام الاعظم بل الوالد المعظم، شیخ فضلاء الزمان و مربی العلماء الاعیان» یاد کرده است. بنگرید به: عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۱۶. محقق کرکی نیز در اجازه‌ای که به او و فرزندش داده از او با عنوان «علامة العلماء و مرجع الفضلاء» یاد کرده است. عبدالله بن عیسی افندی، همان، ج ۴، ص ۱۱۷. برای متن کامل اجازه کرکی به میسی بنگرید به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۴۰-۴۹.
۸۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۵، ص ۳۸-۳۹.
۸۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۵، ص ۱۴۹؛ عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۱۶.
۸۳. محمد بن حسن حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۱۸۸.
۸۴. ابن عودی، بغیة المرید، ج ۲، ص ۱۵۸.
۸۵. شیخ حر عاملی (امل الآمل، ج ۱، ص ۱۲۳) به خطا تاریخ درگذشت او را ۹۳۳ ذکر کرده است اما این تاریخ نادرست است چرا که میسی در سال ۹۳۴ در بغداد از محقق کرکی اجازه روایت اخذ کرده است. تاریخ صحیح درگذشت او را افندی (ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۲۱-۱۲۲) از مجموعه جباعی که در اختیار حسین بن عبدالصمد حارثی و بعدها فرزندان او که در هرات سکونت داشته‌اند، ۹۳۸ ذکر کرده است (توفی شیخنا الإمام العلامة التقی الورع، الشیخ علی بن عبدالعالی المیسی أعلى الله نفسه الزکیة لیلة الأربعاء عند انتصاف الیلیل، و دخل قبره الشریف بجبل صدیق النبی لیلة الخمیس الخامس أو السادس و العشرین من شهر جمادی الأولى سنة ثمان و ثلاثین و تسعمائة، و ظهر له کرامات کثیرة قبل موته و بعده، و هو ممن عاصرته و شاهدته و لم أقرأ علیه شیئاً لأنقطاعه و کبره).
۸۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۸۰-۱۸۱.
۸۷. عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۹-۲۰.
۸۸. اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم آرا عباسی، ج ۱، ص ۱۵۷؛ عبدالله بن عیسی افندی، همان، ج ۴، ص ۱۱۷.
۸۹. عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۱۷.
۹۰. جعفر مهاجر، جبل العامل بین الشہیدین، ص ۶۸-۷۲.
۹۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۵۴-۵۷. همچنین بنگرید به: آقا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۱۲۱.
۹۲. محمد بن حسن حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۱۵۴.

۹۳. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸.
۹۴. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱، ص ۱۵۴.
۹۵. ابن عودی، *بغیة المرید*، ج ۲، ص ۱۹۱.
۹۶. محمد بن حسن حر عاملی، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۱۶۰.
۹۷. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱، ص ۱۰۷.
۹۸. محمد بن حسن حر عاملی، *امل الآمل*، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹.
۹۹. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱، ص ۷۸.
۱۰۰. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱، ص ۱۷۰.
۱۰۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱، ص ۷۰.
۱۰۲. در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان، نسخه‌ای از کتاب کافی به شماره ۴۴۷ موجود است که یادداشتی از حسین بن علی ظهیری با تاریخ ۱۰۷۲ بر آن درج شده است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار (اصفهان - ایران)*، ج ۲، ص ۳۲۳-۳۲۴.
۱۰۳. محمد امین استرآبادی، *المسائل الظهیریة*، ص ۵۴۷-۵۴۹. شکل‌گیری و گسترش اخباری‌گری در دوره صفویه بیشتر به دلیل آنکه از نگاه و گزارش‌های خصمانه عالمان اصولی تا کنون مورد پژوهش قرار گرفته، چندان مورد فهم قرار نگرفته است. در حقیقت برای محقق تاریخ‌علت، ماهیت و دلایل شکل‌گیری این جریان موضوعی است که نیازمند پژوهش‌های مفصل است خاصه آنکه بسیاری از متون اخباری هنوز مورد توجه قرار نگرفته و به صورت نسخه‌های خطی است و فزونتر آنکه جریان اخباری‌گری همانند هر جریان فکری در جهان اسلام، طیفی را شامل می‌شود و لازم است تا در تحقیق درباره این جریان، به وجود طیف‌های مختلف در این جریان فکری توجه شود به عنوان مثال عالم اخباری همچون فیض کاشانی که نقش مهمی در تثبیت اخباری‌گری داشته و بسیاری از آثار او تحریرهای خلاصه‌تر و روان‌تری از کتاب *فوائد المدنیة* استرآبادی است، در برخی از مسائل بسیار مهم با استرآبادی اختلاف جدی دارد کما اینکه در ادوار بعدی نیز عالمان اخباری در برخی از مسائلی که استرآبادی مطرح کرده بود، با وی مخالفت ورزیده و نظرات نزدیک به دیدگاه اصولی ارایه کرده‌اند. سوی این مطالب حتی این مطلب که استرآبادی تحت تأثیر چه عواملی به اخباری‌گری گرایش یافته مسئله‌ای است که تا کنون به درستی و محققانه مورد تحقیق قرار نگرفته است. به عنوان مثال شیخ حر عاملی که خود عالمی برجسته و از اخباریان مشهور عصر صفویه است، ارتباط مستقیمی با استرآبادی نداشته و تا زمان چهل سالگی در جبع بسر می‌برده است و می‌دانیم که در همین زمان هم به اخباری‌گری گرایش یافته است. در حالی که پدر بزرگ شیخ حر عاملی یعنی عزالدین حسین بن شمس‌الدین محمد بن شمس‌الدین محمد بن مکی در دمشق از محقق کرکی به تاریخ ۱۶ رمضان ۹۰۳ اجازة‌ای دریافت کرده و این نشانگر گرایش اصولی وی است. پاسخ در علل احتمالی گرایش شیخ حر عاملی به اخباری‌گری، از عبارتی در ساله مهم تازه منتشر شده *المسائل الظهیریة* می‌توان

یافت. این رساله پیشتر بر اساس نسخه‌ای ناقص که باعث ناشناخته ماندن مؤلف آن بوده، در انتهای کتاب *فوائد المدنیة* استرآبادی منتشر شده بود اما به دلیل همان افتادگی نسخه، ماهیت و اهمیت آن چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. در چاپ جدید کتاب *فوائد المدنیة* که جامعه مدرسین منتشر کرده است، با مراجعه به نسخه‌ای برای تصحیح کتاب، ماهیت این بخش کتاب شناخته شده است. درباره حسین بن حسن بن یونس بن یوسف بن محمد بن ظهیرالدین بن علی بن زین‌الدین بن حسام‌الدین ظهیری عاملی عینائی دانسته‌های اندکی موجود است و حتی درباره ظبط نام اسامی اجداد وی نیز اختلافاتی وجود دارد. شیخ حر عاملی از وی با عنوان شیخنا و فردی ماهر در فقه، ادبیات یاد کرده و گفته که اکثر عالمان عصر نزد او تحصیل کرده اند (قرأ عنده أكثر فضلاء المعاصرين، بل جماعة من المشايخ السابقین علیهم و أكثر تلامذته صاروا فضلاء علماء ببركة أنفاسه). شیخ حر در ادامه گفته که ظهیری نخستین عالمی بوده که در ۱۰۵۱ به او اجازه‌ای عام داده است. وی در جبع ساکن بوده و در همانجا درگذشته است. متأسفانه شیخ حر تاریخ وفات وی را ذکر نکرده است و اطلاعات موجود در منابع شرح حال نگارانه نیز دانش ما درباره وی را وسعت نمی‌بخشد. چاپ رساله کوتاه *المسائل الظهیریة* از این حیث اهمیت بسیار فراوانی دارد و برای فهم و درک حلقه‌های ارتباطی این دوره و فهم تحولات این عصر اهمیت فراوانی دارد. این رساله به صورت پرسش و پاسخ‌هایی است که میان ظهیری و استرآبادی رد و بدل شده است. در پایان پرسش‌های ظهیری تاریخ هفتم شوال ذکر شده است اما سالی ذکر نشده است. در بخش پاسخ‌های استرآبادی نیز نسخه اساس تصحیح ناقص بوده و دانسته نیست که آیا استرآبادی به تاریخی اشاره کرده است یا خیر اما این رساله اهمیت فراوانی دارد و متأسفانه هیچ توجهی به آن نشده است. در این یادداشت کوتاه سعی می‌کنم تا به جنبه‌هایی از اهمیت این رساله کوتاه اشاره کنم. نخست باید اشاره کنم که بخشی از این رساله یعنی پاسخ‌های استرآبادی به ظهیری به صورت جداگانه نیز موجود است و ای کاش مصحح محترم کتاب که این بخش در نسخه در دسترسشان ناقص بوده، نگاهی به دست کم چند فهرست خطی مهم مثل کتابخانه آیت‌الله مرعشی و دانشگاه تهران می‌انداختند تا ببینند آیا نسخه‌ای از این رساله در آن کتابخانه‌ها موجود است یا خیر؟ و به جای آنکه در انتهای رساله بنویسند که متن متأسفانه در نسخه در دسترس ما ناقص است، می‌توانستند با یک مراجعه سردستی این مشکل را مرتفع کنند. در هر حال نسخه‌ای از این بخش پرسش و پاسخ‌های رد و بدل شده میان استرآبادی و ظهیری در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۰۶۷ در مجموعه مشکات موجود است و ظاهراً هم نسخه به خط خود استرآبادی باشد. هر چند از انجام نقل شده در نسخه مشکات می‌توان دریافت که استرآبادی پاسخ تمام پرسش‌های ظهیری را نداده است چرا که در این انجام چنین نوشته است:

«قد امتثل ما اشرتم الیه علی وجه الاستعجال و تشتت البال و قد خلیت الکراسة عندی عسی اکتب جواب المسائل الباقیة وقت الفرجة انشاء الله». (نک محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، جلد سوم، بخش سوم،

ص ۱۷۹۵-۱۷۹۶). اکنون فرصت چندانی برای بررسی بیشتر فهرست‌های نسخه‌های خطی و یافتن نسخه‌هایی دیگر ندارم. (بعد از نگارش این بخش، دوست عزیز و برادر گرامی جناب آقای سعید طاووسی مسرور تصویری از نسخه دانشگاه تهران که تنها مشتمل بر پاسخ‌های استرآبادی به ظهیری است را به بنده دادند، حدود سه برگ در این نسخه از چاپ حذف شده است). رساله *اجوبه المسائل الظهیریة* استرآبادی برای شناخت اندیشه‌های استرآبادی بی‌نهایت مهم است و در این رساله کوتاه استرآبادی برخی از مبادی روش‌های خود در فهم متون حدیثی را هر چند به اجمال توضیح داده است. از نکات جالب توجه رساله استرآبادی، بخشی است که وی در آنجا به پرسش‌های ظهیری در مسئله نماز جمعه پاسخ گفته است و به اختلاف شدید درباره این مسئله در میان فقیهان ایرانی و عجم اشاره کرده و علت آن را ناآشنایی آنها با احادیث دانسته است (.. فإن فقهاء العجم لقله معرفتهم بالأحادیث يتخاضمون فی هذه المسائل أشد خصومة).

۱۰۴. ائیس فریحه، معجم أسماء المدن و القرى اللبنانیه، ص ۴۶.

۱۰۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۱۰.

۱۰۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۴۸.

۱۰۷. بخش‌هایی از مجموعه جباعی به صورت پراکنده در چند کتابخانه موجود است از جمله بخشی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۷۹۵ که مشتمل بر *ارجوزة فی الکلام* (۱-۳) از تقی‌الدین حسن بن علی بن داود حلی؛ *المنهج القویم فی تسلیم القویم* (۴-۷) از همو؛ *رسالة فی الجمع بین کلام النبی و الوصی و الجمع بین آیتین من الکتاب العزیز* جواب الرشید الملة و الحق والدین (۸-۱۱) از علامه حلی در پاسخ به پرسش‌های خواجه رشیدالدین فضل‌الله و *ارجوزة فی الکلام* از محمد بن زهره حسینی. جباعی این بخش‌ها را در سال ۸۵۲ نگاشته است. در پایان رساله دوم به خط شیخ عبدالصمد نیای شیخ بهایی یادداشتی به تاریخ ۹۱۷ آمده است و در هامش و چند جا نیز عباراتی از شیخ بهایی آمده است. برای توصیفی از این نسخه و تصاویری از آن بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۳۶۰-۳۶۸. جباعی همچنین نسخه‌ای از کتاب *کشف‌البیقین* علامه حلی را از روی نسخه اصل کتابت کرده و با آن مقابله کرده و این کار را در روز سه شنبه ۲۱ شعبان ۸۵۲ به اتمام رسانده است و این نسخه به شماره ۱۷۹۶ در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. درباره مجموعه جباعی همچنین بنگرید به: رضا مختاری، *الشهید الاول: حیات و آثاره*، ص ۴۵۳-۴۶۳.

۱۰۸. ابراهیم بن علی بن صالح بن اسماعیل لویزانی جبعی نیز، مشهور به کفعمی (متوفی ۹۰۵) که دیگر برادر جباعی است در میان سالهای ۸۴۵ تا ۸۵۰ نسخه‌ای از کتاب *ایضاح الفوائد* را که شرحی بر کتاب *قواعد الاحکام* علامه حلی و نوشته فخرالمحققین است را کتابت کرده است. در انجام نسخه، ابراهیم بن علی جبعی نوشته است: «و الحمد لله علی حسن التوفیق.... و فرغ من تعلیقه العبد المحتاج.. ابراهیم بن علی بن حسن بن محمد بن صالح بن اسماعیل اللویزانی... سنة سنة و.. خمسين بعد ثمان مائة هجرية». نسخه مقابله شده و دارای علائم بلاغ است.

- برای توصیفی از این نسخه که به شماره ۲۵ و ۲۶ در مجموعه اهدایی امام جمعه خوبی در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود، بنگرید به: عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۷، ص ۲۴-۲۶. نسخه‌ای نیز از *الدروس الرعیه فی فقه الامامیه* شهید اول به شماره ۱۷۹۹ در دانشگاه تهران موجود است که تقی‌الدین ابراهیم بن علی کفعمی کتابت آن را در ۵ رجب ۸۵۶ به پایان رسانده است. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۳۷۲.
۱۰۹. سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۵، ص ۲۶.
۱۱۰. عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۱، ص ۲۱. افندی (همان، ج ۱، ص ۲۴) انجام نسخه‌ای از کتاب مصباح کفعمی را که خود دیده، چنین نقل کرده است: «...کفعمی مولداً، اللویزی محتداً، الجیعی أباً، ...». کفعمی همچنین نسخه‌ای از کتاب کشف الغمة فی معرفة الأئمة علی بن عیسی اربلی (متوفی ۶۹۲) کتابت کرده که تاریخ فراغت از استنساخ آن را روز پنجشنبه هفت شب مانده از رمضان ۸۹۴ ذکر شده است. این نسخه به شماره ۲۱۲۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی است. برای معرفی از این نسخه بنگرید به: مهدی ولانی، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۵، ص ۲۶۲.
۱۱۱. احتمالاً عمادالدین بن مساعد حسینی حائری که نسخه‌ای از کتاب *شرائع الاسلام* محقق حلی که در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۴۰۷ (معرفی شده در سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۲، ص ۷) را کتابت کرده که تاریخ فراغت از آن دوشنبه ذی حجه ۹۱۶ جزء اول ذکر شده است، برادر کوچکتر حسین بن مساعد باشد. در صفحه آخر جزء اول آن نیز انتهایی است از علی بن عبدالعالی کرکی با تاریخ جمادی الثانی ۹۲۳ در نجف اشرف.
۱۱۲. افندی نقل کرده که شنیده است که کفعمی مدتی در نجف ساکن بوده است و در آنجا از کتابهایی که وقف حرم امام علی - علیه السلام - بوده، بهره فراوانی برده است. افندی این اطلاع را از مجموعه‌ای که کفعمی خود کتابت کرده و مشتمل بر آثار مختلفی بوده، نقل کرده است. افندی که نسخه‌ای از مجموعه کفعمی را که تاریخ پایان استنساخ برخی از آثار آن را ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰ ذکر کرده، آورده است. بنگرید به: همو، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۱، ص ۲۱، ۲۲-۲۳.
۱۱۳. درباره کفعمی به نحو عام بنگرید به: محمد بن حسن حر عاملی، *امل الاصل*، ج ۱، ص ۲۸-۲۹؛ عبدالله بن عیسی افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۱، ص ۲۱-۲۵؛ عمر فروخ، *معالم الأدب العربی فی العصر الحدیث*، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۵.
۱۱۴. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های گلیایگان (گلیایگان - ایران)، ص ۴۴.
۱۱۵. برای توصیف این نسخه بنگرید به: محمد برکت، فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس شناسی، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۱۱۶. از نکاتی که می‌توان محوریت مکتب حله و میراث فقهی آن را به وضوح نشان دهد، کتابت بسیاری از آثار علامه و محقق حلی توسط کاتبان و عالمان عاملی است که اطلاعات پراکنده‌ای از این دست در فهرست‌های نسخه‌های پراکنده است که در ذیل به برخی از آنها به نحو گذرا اشاره می‌شود: نسخه‌ای مشتمل بر بخشی از این *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. کتاب به شماره ۳۲۵۲ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است که ابراهیم بن محمد حرفوشی عاملی کتابت جزء اول آن را در ۱۶ ذی الحجه ۱۰۶۷ به اتمام رسانده است. سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱۰، ص ۴۳-۴۴. نسخه‌ای نیز از کتاب *ارشاد الازهان الی احکام الایمان* علامه حلی به شماره ۳۴۰۰ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است که علی بن احمد بن محمد منشار در چهارشنبه ۱۲ جمادی الاول ۹۳۳ کتابت آن را به پایان برده است. علی بن احمد بن محمد بن هلال که به علی بن هلال منشار کرکی شهرت دارد، اجازه‌ای محقق حلی دال بر قرائت کتاب بر او به تاریخ شعبان ۹۳۴ در نجف اخذ کرده است (سید احمد حسینی، همان، ج ۱۰، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ السید عبدالعزیز الطباطبائی، *مکتبه العلامة الحلی*، ص ۴۱). برای دیگر آثار علامه حلی کتابت شده توسط کاتبان و عالمان عاملی بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، *مکتبه العلامة الحلی*، ص ۳۶ (ارشاد الازهان)، ۳۹ (ارشاد الازهان که سلمان بن محمد بن محمد عاملی جبعی بخشی از آن را در ۱۹ رجب ۹۳۷ به اتمام رسانده است)، ۳۹-۴۰ (ارشاد الازهان که حسین بن ابی الحسن آن را علی بن عبدالعالی کرکی خوانده و از اجازه‌ای به تاریخ روز یکشنبه ۹ شوال سال ۹۴۲ اخذ کرده است)، ۴۱-۴۲ (ارشاد الازهان)، ۴۴ (ارشاد الازهان)، ۸۷ (تحریر الاحکام با انهاء از ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام عینائی عاملی)، ۹۷ (تذکره الفقهاء)، ۱۰۲ (تذکره الفقهاء)، ۱۱۰ (تهذیب الوصول)، ۱۳۹ (قواعد الاحکام)، ۱۳۹-۱۴۰ (قواعد الاحکام که حواشی از شهید اول نیز دارد)، ۱۴۸ (قواعد الاحکام)، ۱۴۹ (قواعد الاحکام)، ۱۵۲-۱۵۳ (قواعد الاحکام)، ۱۵۴ (قواعد الاحکام)، ۱۵۷-۱۵۸ (قواعد الاحکام)، ۱۷۱ (مبادی الوصول)، ۱۷۹ (مختلف الشیعه)، ۱۹۵-۱۹۶ (منتهی المطلب).